

قَالَ

وَمِنْكُمْ أَكْفَرًا مِّنْكُمْ سِيلًا

تجوید قرآن کریم

Ketabton.com

تحقیق، تتبع و نگارش:
برهان الدین "سعیدی"

تَجْوِيدُ قُرْآنِ كَرِيمٍ

Tajwíd Qura'ń Karím

تحقیق، تتبع و نگارش:
برهان الدین « سعیدی »

Burhanoddin "Saidi"

مشخصات رساله:

- نام : تجويد قرآن كريم
- تحقيق، تتبع و نگارش: برهان الدين « سعیدی »
- مهتم: محترم محمد عمر « انوری »
- طرح ، ترتيب و تنظيم پشت جلد : محترم مجيب الرحمن « خطیبي »
- ناشر: ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغانی
- چاپ اول : « حوت ۱۳۹۹ هجري شمسي » مطابق « فبروری ۲۰۲۱ میلادی »
- چاپ دوم : « حمل ۱۴۰۰ هجري شمسي » مطابق « اپریل ۲۰۲۱ میلادی »
- محل چاپ: کابل - افغانستان

یادداشت: استفاده از مطالب این رساله ؛ با تذکر کامل نام و مأخذ ، آزاد است.

b-saidi@gmx.de

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آموزش و تلاوت قرآن عظیم الشان و خاصتاً تعقل، تفکر، تدبیر، عمل حسنه و صالح به آن؛ باعث تهذیب نفس، تربیت معنوی، تقویت ایمان، انوار الهی، سعادت و رستگاری دنیا و آخرت در متقیان میگردد.

برهان الدین « سعیدی »

تَجْوِید چیست؟

علم تَجْوِید یعنی « فن ترتیل »؛ در لغت بمعنی « تحسین ، نیک ساختن و یا نیکو گردانیدن » است

و در اصطلاح علمیه است که از رعایت حق و مستحق حروف بحث میکند و هدف آن صحیح و درست أداء کردن هر حرف از مخرج با رعایت آداب و صفات آن به اساس قواعد و ضوابط و بشکل ترتیل « با دقت، با تأمل و با آهسته گی » میباشد.

Gewidmet an meinen Vater

**In Namen Gottes, das Allerbarmers, des
Allbarmherzigen.**

Diese Abhandlung " Tajwíd Qura'n Karím", ist ein Regelwerk für die korrekte Aussprache der Buchstaben mit all ihren Eigenschaften und die Anwendung der verschiedenen Rezitationen. Wenn Sie den Koran rezitieren, bedeutet dies, jedem Buchstaben des Korans seine Rechte und Eigenschaften zuzuweisen und die Regeln zu beachten, die für diese Buchstaben in verschiedenen Situationen gelten. Wir tun dies, indem wir die Merkmale jedes Buchstaben beachten, die manchmal bei ihnen vorhanden sind und zu anderen Zeiten nicht.

Dieses Buch " Tajwíd Qura'n Karím" Widme ich der reinen Seele meines verstorbenen Vaters

Maulana Dr. Mohammad Said "Said Afghani" der Lehrer, Professor, Forscher, Schriftsteller, Jurist und Kämpfer für den Frieden und die Freiheit war. Er forderte die Menschen zur Gewaltlosigkeit, Güte und Glück auf und schrieb 37 Bücher und mehr als 2000 Titel über Frieden, Freiheit und Demokratie, sowie literarische, soziale und politische Themen. Dr. Said Afghani ist am 25. Februar 1985, im Alter von 63 Jahren, in Kabul Afghanistan gestorben. Möge der stetig schenkende und Barmherzige subhana wa ta alla meinen Vater Dr. Said Afghani, mit seiner Barmherzigkeit überschütten und ihm den schönsten Platz im Paradies (Fridaus) geben.

**Amen, der Allmächtige
Burhanoddin "Saidi"
b-saidi@gmx.de**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء

رسالة تجويد قرآن كريم؛ را بمناسبت سي و ششمين سالگرد وفات
پدر بزرگوارم

مرحوم مولانا دوكتور محمد سعيد « سعيد افغاني »
مدرس، استاد، محقق، نويسنده، حقوق دان و مبارز راه صلح و آرامش،
عدم تشدد و خير و سعادت بشریت؛ اهداء مينمايم.

مولوی سعید افغاني بعد از فراغت از مدرسه عالی دارالعلوم عربی کابل، به
صفت استاد در همان مدرسه مقرر شد و متعاقباً به صفت مدیر و مدرس مدرسه
نجم المدارس ولایت ننگرهار موظف گردید.

مولوی سعید افغاني در سال « ۱۳۳۹ هجری شمسی » بعد از گذشت ده سال
مدیریت و مدرسی در مدرسه نجم المدارس؛ به صفت معلم تفسیر لیسه عالی
حبیبیه شهر کابل تبدیل شد و بعداً جهت تحصیلات عالی به پوهنتون مشهور
اسلامی جهان « جامعة الازهر شریف » کشور عربی مصر اعزام شد که در
سال « ۱۳۴۷ هـ ش » دوکتورای خویش را موفقانه بدست آورد و به وطن
باز گشت.

مولانا سعید افغاني در جمع خدمات ارزشمند دینی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛
بیشتر از « سی و هفت » جلد کتاب و « دوهزار عنوان » مقاله و مضمون را به
زبانهای: « پشتو، دری و عربی » در بخش فلسفه، تصوف و اجتماعیات نوشته
و به جامعه تقدیم کرده است.

مولانا سعید افغاني بتاريخ « هفت حوت سال ۱۳۶۳ هـ ش » مطابق « ۲۶
فبروری سال ۱۹۸۵ م » به عمر شصت و سه « ۶۳ » سالگی، داعیه اجل را
لبیک گفت و بعالم جاودانی پیوست.

جنازه مولانا سعید افغاني بتاريخ « هشت فبروری ۱۳۶۳ هجری شمسی » با
اشتراک صدها تن « علما، روحانیون، دانشمندان، بزرگان حکومت، مخلصین،
شاگردان، دوستان و اقارب » بعد از اداء نماز جنازه در مسجد جامع پل خشتی
شهر کابل، در شهدای صالحین به خاک سپرده شد.
از بارگاه الله سبحانه و تعالی استدعا دارم تا با لطف و مرحمت خویش،
برای ایشان رحمت بی پایان توام با جنت فردوس عنایت فرمایند.

آمین یا رب العالمین
برهان الدین « سعیدی »

فهرست مطالب

شماره	عنوان	صفحه
۱	مقدمه مؤلف	« ۱ - ۲ »
۲	تقریظ: محترم استاد پوهاند دوکتور اسرار الحی « منیت » رئیس پوهنخی شرعیات پوهنتون ننگرهار.	« ۳ »
۳	تقریظ: محترم استاد پوهاند داکتر سیداحمد « فاطمی » ؛ استاد شرعیات پوهنتون ننگرهار.	« ۴ »
۴	سپارښت لیک: پوهانوال داکتر محمد طاهر « عنایت » رئیس اسبق پوهنتون کابل.	« ۵ »
۵	تقریظ: محترم استاد غلام ربانی « ادیب »؛ استاد پوهنتون تابش.	« ۶ »
۶	تقریظ: استاد قاری نصرت الله « صاحبی ».	« ۷ »
۷	فصل اول : - تجوید چیست؟ - ترتیل چیست؟	« ۸ - ۱۰ »
۸	فصل دوم: - الفبای زبان عربی . - حروف شمسی و قمری.	« ۱۱ - ۱۳ »
۹	فصل سوم : - مخارج حروف. - تفصیل باب مخرج حروف.	« ۱۴ - ۱۹ »
۱۰	فصل چهارم: - دندانها.	« ۲۰ - ۲۱ »
۱۱	فصل پنجم: - صدای کوتاه و صدای کشیده. - حرکات یا صدای کوتاه « فَتْحَه، کَسْرَه و ضَمَّه ». - صدای کشیده « حروف مدی » « آ - او - آی ».	« ۲۲ - ۲۵ »
۱۲	فصل ششم: - علامت « مدّ » و انواع « مدّ ». - مدّ در حروف مقطعه « مُقَطَّعات ».	« ۲۶ - ۳۱ »

شماره	عنوان	صفحه
۱۳	فصل هفتم: - قوانین « الف وصل » و « همزه وصل » در چهار حروف ناخوانا « والی ». - توضیح: قواعد برای خواندن « الف وصل » بدون حرف لام.	« ۳۶ - ۳۲ »
۱۴	فصل هشتم: - حروف حلقی. - توضیح در مورد حروف حلقی.	« ۳۷ »
۱۵	فصل نهم: - حروف قطب جد یا « قلقله ».	« ۳۹ - ۳۸ »
۱۶	فصل دهم: - حروف یرملون.	« ۴۰ »
۱۷	فصل یازدهم: - وقف « توقف ». - علامات در قرآن کریم « صلی ، قلی ، ج ، لا ، س ، م نیمه ، م کوچک ، الف کوچک ، ص ، قف ، ز ، ق ، ع ، ط ، آ .. »	« ۴۶ - ۴۱ »
۱۸	فصل دوازدهم: - علامت ساکن « سکون » .	« ۴۷ »
۱۹	فصل سیزدهم: - علامت تشدید « شدت و یا مشدد ». - توضیح در مورد تشدید.	« ۴۹ - ۴۸ »
۲۰	فصل چهاردهم: - احکام « نون ساکن و تنوین ».	« ۵۳ - ۵۰ »
۲۱	فصل پانزدهم: - قاعده اظهار. - توضیح در مورد قاعده اظهار.	« ۵۴ »
۲۲	فصل شانزدهم : - قاعده ادغام. - توضیح در رابطه به قاعده ادغام.	« ۵۷ - ۵۵ »
۲۳	فصل هفدهم: - قاعده اقلاب. - توضیح در رابطه به قاعده اقلاب.	« ۵۹ - ۵۸ »

شماره	عنوان	صفحه
۲۴	فصل هژده هم: - قاعده إخفاء.	« ۶۱ - ۶۰ »
۲۵	فصل نزدهم: - احکام حرف « م » ساکن و مشدد. - غنه . - ادغام شفوی . - إخفاء شفوی . - اظهار شفوی .	« ۶۴ - ۶۲ »
۲۶	فصل بیستم: - غنه - اشکال غنه	« ۶۷ - ۶۵ »
۲۷	فصل بیست و یکم : - قاعده نون قطنی	« ۶۸ »
۲۸	فصل بیستم و دوم: - احکام حرف « راء » . - تفخیم « پر خواندن » . - ترقیق « نازک خواندن » . - توضیح در رابطه به احکام حرف « راء » .	« ۷۲ - ۶۹ »
۲۹	فصل بیست و سوم: - احکام حرف - ل « لام » در لفظ جلاله الله .	« ۷۳ »
۳۰	فصل بیست و چهارم: معلومات عمومی و تعریفات: « استعلاء - استفعال - تفخیم - ترقیق - تکریر - ترسیل - تبیین - تحسین - توقیر - ترعید - ترقیق - تعجیل - تهمیز - تنفیش - تعویق - تطنین - تطویل - تعضیع - حروف تهجی - رکزه - رعایت حق - رخوت - شدت - صفیر - وثبه - قصر - لحن - لحن جلی - لحن خفی - مستحق حروف - هممه - همس » .	« ۷۶ - ۷۴ »
۳۱	منابع و مأخذ های عمده	« ۷۸ - ۷۷ »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مؤلف

علم تجوید یعنی « فن ترتیل »؛ در لغت بمعنی « تحسین، نیک ساختن و یا نیکوگردانیدن » است و در اصطلاح علمیهست که از رعایت حق و مستحق حروف بحث میکند و هدف آن صحیح و درست آداء کردن هر حرف از مخرج با رعایت آداب و صفات آن به اساس قواعد و ضوابط و بشکل ترتیل « با دقت، با تأمل و با آهسته گی » میباشد.

چون آموزش و تلاوت قرآن عظیم الشان و خاصتاً تعقل، تفکر، تدبیر و عمل حسنه و صالح به آن؛ باعث تهذیب نفس، تربیت معنوی، تقویت ایمان، انوار الهی، سعادت و رستگاری دنیا و آخرت در متقیان میگردد.

بنأ الله سبحانه و تعالی را شکر گزارم که با لطف و مرحمت خویش، برایم صحت، طول عمر و توفیق عنایت فرمودند تا بخاطر آموزش قرآن کریم و علم تجوید؛ چندین جلد کتب « تجوید قرآن کریم » را مطالعه نمایم و همچنان دروس انترنیتی « آموزش روخوانی قرآن کریم » را از استادان و بزرگان علم تجوید فرا گیرم.

قابل تذکر است که: تابستان سال « ۲۰۱۵ میلادی » به ملاقات برادر بزرگوارم داکتر مصباح الدین « سعیدی » رفتم. موصوف بر علاوه اینکه یک داکتر متخصص و مجرب امراض داخله است؛ در رابطه به « کتاب الله، احادیث و غیره علوم دینی » فهم و دانش فرزانه دارد.

ایشان لطف نمودند پیرامون بعضی موضوعات علوم دینی و علم تجوید، برایم توضیحات عالمانه ارائه فرمودند و همچنان بنابر تشویق شان و استناد با حدیث عبدالله بن عمر « رضی الله عنهما » که پیامبر بزرگوار اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ میفرماید:

« بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً وَحَدِّثُوا عَنِّي » : « از سوی من پیام دین را به دیگران ابلاغ و نقل کنید، حتی اگر یک آیه از قرآن کریم باشد ».

با اخلاصمندی و خلوص نیت؛ خاص برای رضامندی الله سبحانه و تعالی، نیت کردم تا بالای یادداشتهایم، کار مجدد و دوامدار را آغاز نمایم. که اینک ثمره آن در قالب یک رساله کوچک بنام « تجوید قرآن کریم » تحقیق، تتبع و نگارش یافته است.

با عرض ادب و احترام؛ از تمام استادان محترم علم تجوید و علمای معظم، خواهشمندم تا لطف نموده با بزرگواری خویش من را که در این علم؛ نو سفرم و از جانب هم دانش فقیردارم، مورد عفو و بخشش قرار دهند و همچنان از حضور مبارک شان صمیمانه تقاضا مینمایم تا مهربانی فرمایند کمبودی و نقایص این رساله را با نظریات سازنده و عالمانه خویش برایم ارسال نمایند، تا در چاپ بعدی مدنظر گرفته شود.

باید خاطر نشان سازم که از مساعدتها و رهنمایی های علمای معظم ، استادان محترم و بزرگواران و دوستان عزیز هریک:

محترم استاد پوهاند داکتر ظاهر « عنایت » رئیس سابق پوهنتون کابل، محترم استاد پوهاند دوکتور اسرارالحی « منیت » رئیس پوهنخی شرعیات پوهنتون ننگرهار، برادر بزرگوارم محترم داکتر صلاح الدین « سعیدی »، محترم استاد پوهاند داکتر سیداحمد « فاطمی » استاد پوهنخی شرعیات پوهنتون ننگرهار، محترم استاد غلام ربانی « ادیب » استاد پوهنتون تابش، محترم داکتر مصباح الدین « سعیدی »، محترم استاد نعمت الله جلیلی « کامه وال » ، محترم استاد قاری نصرت الله « صاحبی » ، محترم الحاج انجینر رفیع الدین « سعیدی » ، محترم معراج الدین « شمس »، محترم محمد عمر « انوری » ، محترم الحاج عبدالحنان « نوس » ، محترمه ذکیه لامیه « سعیدی » ، محترمه محجوبه « احمدی »، محترم احمد « سعیدی »، محترمه فرشته « حسینی » و محترم یما « سعیدی » سپاس و قدردانی مینمایم .

همچنان از بارگاه ایزد متعال استدعا دارم تا با لطف و محبت خویش برای ایشان اجر جزیل توام با حسنات و خیر و برکت دارین ، عنایت فرمایند.

یا رب العالمین !

تو میدانی که نیت و اراده من آموزش و رسانیدن پیام بخاطر آگاهی عامه است ! پس یا الله ! با لطف و محبت خویش؛ صداقت، ایمانداری، محبت، اخلاص، عدل و انصاف را خاصه ام بگردان.

یا الله سبحانه و تعالی !

تو میدانی که جهالت و نادانی عیب بزرگ است.

پس یا رب ! از تو استدعا دارم تا دلم را از تیرگیهای جهل و جفا صاف و با نور علمت زنده و درخشان ساز.

یا ذات مقدس !

تو میدانی که گمراهی بلای خطرناکی است.

پس یا رحمان ! با خلوص نیت از درگاه مقدست التماس دارم تا مرا به صراط المستقیم که راه صالحین، انعام شدگان ، سعادت و فلاح بشریت است، هدایت و رهنمایی فرما.

امین یا رب العالمین

برهان الدین « سعیدی »

پوهاند دوکتور اسرار الحی « منیت »

تقریظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي اصطفى من عباده حملة كتابه ، واثنى عليهم من فوق سماواته ، القائل في كتابه :

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ ﴿سوره فاطر ايه ۲۹﴾

والصلاة والسلام على الحبيب المصطفى الذي كان خير معلم للناس كافة ، و وضع و سام الشرف على صدر كل من شغل بالقرآن تعلما و تعليما . اما بعد :

د محترم برهان الدين « سعیدی » صیب رساله « تجويد قرآن کریم » تر عنوان لاندی لینکه می ولوستله ، د قرآن کریم زده کریالانو او لوستونکیو لپاره یوه مفیده او گتوره رساله ده ، مهمو موضوعاتو ته په کی بیان شوي ده، چې گرافونو او د موضوع اړوند تصویرنوی لیکني ته ځانگړي ښکلا ور په برخه کړي ده .

زه د لیکوال داهڅه له دیني علومو سره بی ساری مینه بولم، او د لازیاتو علمي څیرونو، لیکنو او دیني خدمتونو سپارښتنه ورته کوم .

هیله ده ، چې په دنیا او آخرت کی به یی له اجر او ثواب څخه برخمن شي .

درښت

پوهاند دوکتور اسرار الحی « منیت »

د ننگرهار پوهنتون شرعیاتو پوهنځي رئیس

استاد پوهاند داکتر سیداحمد «فاطمي»

تقریظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد و على اله و صحبه اجمعين
اما بعد :

کومه لیکنه چې محترم برهان الدین «سعیدی» صیب ؛ د «تجوید قرآن کریم» عنوان لاندې کړې، ذکر شوي لیکنه ما د پېل څخه تر پایه ولوستله زه د نوموړي اثر په اړه خپل نظر په لاندې ډول څرگندوم :

۱- محترم برهان الدین «سعیدی» صیب ؛ پخپله دغه رساله کې د تجوید علم هغه اړین احکام ځای په ځای کړي دي چې هر مسلمان لپاره ضرور دي چې د قرآنکریم تلاوت کې نوموړي احکام مراعات کړي .

۲- محترم سعیدی صیب؛ خپله دغه قیمتي علمي رساله په ډیره ساده او عام فهمه دري ژبه لیکلې چې هر لوستونکي ورڅخه په ډیره آسانه استفاده کولای شي، همدارنگه د موضوعاتو د لازياتي روښانتيا په منظوريي ډیر جالب او ساده جدولونه او شکلونه جوړکړي دي چې په ډیره آسانه هر لوستونکی ورڅخه لویه علمي گټه اوچتولای شي .

۳- قدرمن سعیدی صیب؛ په لیکنه کې په ډیری علمي امانتداری د تجوید علم د معتمدو مراجعو او ماخذونو څخه له هیواد نه بهر کی د درسی قیمتي دیني علمي اثر لیکنه د دی څرگندويي کویی چې محترم سعیدی صیب ؛ دین ، هیواد او هیوادوالو سره بی دریغه مینه لري .

په پای کې محترم برهان الدین «سعیدی» صیب ؛ ته د دی علمي بریا مبارکي وایم او د الله عزوجل څخه ورته د اوږده عمر او خوش ژوند هیله لرم .

پوهاند داکتر سیداحمد «فاطمي»

د ننګرهار پوهنتون ، د شرعیاتو پوهنځي استاد

۲-۹-۱۳۹۹ - ننګرهار

صفحه « ۴ »

پوهنوال داکتر محمد ظاهر « عنایت »

سپارښت لیک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سره لدې چې په دیني علومو او په ځانګړي توګه د تجوید په علم کې کوم ځانګړای مهارت نه لرم؛ خودیني جذبي، محبت، او د محترم ورور سعیدي صیب غوښتنې و هڅولم چې د نوموړي د دې ستري کړنې قدرداني وکړم.

د قرآن کریم سمه لوستنه د هر مسلمان دنده ده، او دا چاره یوازې له علماوو پورې نه ده ځانګړی شوی، فکر کوم همدې اصل ته په ګتوسره محترم سعیدي صیب هم له قرآن کریم او قرآني علوموسره د محبت په اساس د لیکنه تر سره کړی ده.

زه د نوموړی دا لیکنه یو مثبت او ګټور ګام بولم او هیله کوم چې هیواد وال به تري ګټه پورته کړي، دا چې محترم سعیدي صیب او سمهال د جرمني هیواد استوګن دی له نوموړي طمعه لرم چې جرمني او نورو ژبوته به یې هم وژباړي؛ ترڅو ډیر خلک تري استفاده وکړي او نوموړي یې د ثواب مستحق شي.

په پای کې له نوموړي غوښتنه کوم چې په دیني علومو کې لا نور پر مختګ وکړي او خپلی علمي او مادي مرستې د اصلي ټاټوبي له وګړو او علمي مؤسسو ونه سپموي، د لازیات پر مختګ په هیله!

پوهنوال داکتر محمد ظاهر « عنایت »

د کابل او د ننګرهار پوهنتون پخوانی رئیس

د دسمبر میاشت، د ۲۰۲۰ میلادی کال

استاد غلام ربانی « ادیب »

تقریظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند جان آفرین - حکیم و سخن بر زبان آفرین

خداوند ﷺ انسان را اشرف مخلوقات آفرید، با علم و هنر، نطق و بیان در گلستان زیبای تجوید آراسته ساخت اعجاز قرآن را به اصوات دلنشین حفاظ مزین ساخته، قلوب انس و جن، ملک و همه گوش فرا دهنده گان کلام او را معطوف، متحیر و گرویده ی خود ساخت.

خواندن قرآن کریم را به اسلوب تجوید از خلط شدن معانی به یک دیگر محفوظ نگهداشت تا امت از گمراهی و غلط فهمی در امان بمانند.

جهان سپاس از محترم برهان الدین « سعیدی » که موضوع زیاد مهمی را که به نخستین تربیه کودکان و خانواده ها و همه مردم ارتباط میگیرد، انتخاب نموده است بخصوص انتخاب تجوید در حقیقت خدمتگذاری به اساس دین است البته عقیده سالم، تربیه نیک فامیلی، برداشت سالم از دین انسان را وادار میسازد تا به چنین خدمات عام المنفعه، صدقه جاریه و عمل جاودانه دست بکار شود.

البته من به پاس خدمت سعیدی صاحب این بیت را هدیه مینمایم؛ خداوند ﷺ قلم اش را در خدمت جامعه نگهدارد.

خجسته تویی نور قرآن رنگینت کرد

وقار داد و سطح جهان سنگینت کرد

غفلتی ز خود رفته بیدارت کرد

این بس است آگاهی بر دینت کرد

« ادیب »

من از استادان و شاگردان مدارس دینی و مکاتب میخوام این کتاب پر محتوا را به دیده ی قدرنگریسته و در جمله کتاب های درسی شامل نموده، مورد استفاده قرار دهند.

استاد غلام ربانی « ادیب »

مشاور حقوقی وزارت احیاء و انکشاف دهات

و استاد در پوهنتون تابش

۲۴ نوامبر ۲۰۲۰ - کابل

استاد قاری نصرت الله « صاحبی »

تقریظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمین، حمداً یوافی نعمه و یکافی مزیده، والصلاة والسلام علی المبعوث رحمة للعالمین سیدنا محمد و علی آله و صحبه أجمعین ، أما بعد:

الله متعال قرآن کریم را منحیث یگانه برنامه و قانون زندگی بشر فرستاد تا بر مبنای آن امورات حیات و زندگی شان را سامان دهند و در سایه‌ای آن به سعادت دارین نایل آیند و بخاطر تبیین « لفظی و معنوی » آن پیامبر « صلی الله علیه و سلم » و به تبع او دانشمندان ربانی و آگاه را موظف گردانید، و از همان آغاز نزول مورد توجه مسلمانان قرار گرفت.

در امتداد تاریخ علوم اسلامی ما شاهد تدوین علوم و ویژه‌ای قرآنی هستیم که در راستای تفسیر، تفهیم و تبیین کتاب الله تدوین و ایجاد شده اند، از آن میان یکی هم علم تجوید بوده که عهده‌دار تصحیح تلاوت و درست خواندن قرآن کریم می باشد.

بنابر رعایت قواعد و ضوابط این علم است که می توانیم قرآن کریم را درست چنان که نازل شده « به زبان عربی مبین » تلاوت کنیم؛ چه حسن تلاوت حسن معنا را در بر دارد، از همین روست که تلاوت درست و صحیح قرآن فرض بوده و مطلوب می باشد؛ تا از ایجاد خطاهای لفظی که منجر به خطاهای معنوی می گردد جلوگیری شود.

خواننده ای گرامی!

صفحاتی که پیش روی شماست نیز در راستای همین هدف عالی « تصحیح تلاوت » از جانب محترم برهان الدین « سعیدی » فراهم شده است، که در بردارنده‌ای مهمترین قواعدی علم تجوید بوده که رعایت آن برای کلیه مومنان به ویژه قرآن خوانان لازم و ضروری می میباشد.

محترم برهان الدین « سعیدی » موضوعات کتاب را عام فهم و در قالب ساده ترین عبارات درخور فهم مبتدی « نوآموز » جمع آوری، ترتیب و نوشته کرده است.

الله متعال این تلاش میمون و مبارک شان را در راستای خدمت کتاب خدا « ج » بپذیرد و نفعش را عام گرداند.

قاری نصرت الله « صاحبی »

محصل پوهنخی شرعیات، پوهنتون کابل

۹ - ۹ - ۱۳۹۹ هجری شمسی - کابل

فصل اول

تَجْوِيد چيست؟

علم تَجْوِيد يعنى « فن ترتيل »؛ در لغت بمعنى « تحسين، نيك ساختن و يا نيكو گردانيدن » است و در اصطلاح علميست كه از رعايت حق و مستحق حروف بحث ميكند و هدف آن صحيح و درست آداء كردن هر حرف از مخرج با رعايت آداب و صفات آن به اساس قواعد و ضوابط و بشكل ترتيل « با دقت، با تامل و با آهسته گى » ميباشد.

- علم تَجْوِيد: علميست كه داراى ضوابط، قواعد و دستورالعمل خاصى بوده و بخاطر تحسين و نيكو كردن، تكميل كردن و صحيح خواندن قرآن كريم؛ از آن استفاده ميشود.

بايد تذكر داد كه: رعايت كردن علم تجويد؛ باعث ميگردد تا قرآن عظيم اَلشَّان را بشكل درست همانگونه كه از طرف الله سبحانه و تعالى، بر پيامبر بزرگوار اسلام محمد « صلى الله عليه وآله وسلم » نازل شده است، ميتوان تلاوت كرد.

- موضوع علم تَجْوِيد: حروف و كلمات قرآن عظيم اَلشَّان، است.

- غرض علم تَجْوِيد: تصحيح حروف و نگهدارى زبان از خطا در آداء و تلفظ، قرآن مجيد است.

- حكم علم تَجْوِيد: عمل كردن به قواعد تجويد « خواندن قرآن كريم طبق قواعد تجويد » بر هر مسلمان فرض عين است.

- اهميت علم تَجْوِيد:

قرآن عظيم اَلشَّان شامل لفظ و معنى ميباشد و پيامبر بزرگوار اسلام « صلى الله عليه وآله وسلم » همانطور كه معنای قرآن كريم را به صحابه كرام اموختاند، لفظ و طريقه آن را نيز اموختاند، پس لازم است تا قرآن مجيد را طبق تعليمات پيامبر « صلى الله عليه وآله وسلم » اموخت و آن را تلاوت كرد.

همچنان بايد اضافه كرد كه: اولين كسى كه علم تجويد را تدوين، تصنيف و تنصيف کرده: شيخ ابو مزاحم موسي بن عبیدالله بن يحيي بن خاقاني بغدادی مقري ميباشد كه در سال « 325 هجري قمری » چشم از جهان بست.

تَجْوِيد به دو بخش « نظری و عملی » تقسيم شده است:

۱- تَجْوِيد نظری: عبارت از مجموعه قواعد و ضوابطی است كه برای صحيح خواندن حروف و كلمات قرآن كريم، تنظيم شده است. بطور مثال: « مخارج حروف، صفات حروف، تفخيم، ادغام، مدّ و قصر و غيره ... ».

۲- تجوید عملی: عبارت از چگونگی « فن و هنر تلاوت قرآن کریم » است که بر اساس تلفظ زبان عربی، مبتنی بر اداء و استماع میباشد.

ترتیل چیست؟

ترتیل: در لغت به معنی « منظم و مرتب » ساختن است و در اصطلاح خواندن و یا تلاوت آیات قرآن کریم با قواعد و نظم لازم و اداء صحیح حروف، تدبیر در معانی و معرفت حقوق است. طوریکه رب العالمین به آن امر فرموده است.

وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا و قرآن را با دقت و تأمل بخوان. « سورة المزمل ، آیه 4 »

قابل تذکر است که: قرآن عظیم الشان، در قالب « ترتیل » بشکل تدریجی، منظم و مرتب؛ آیه به آیه و حرف به حرف و کلمه به کلمه، بالای پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی « صلی الله علیه و آله وسلم » در طی « ۲۳ » سال رسالت، به تدریج نازل شده و ایشان به همان شکل و طریقه به صحابه کرام، آموختانده است.

ترتیل « معرفت حقوق »: یعنی قرآن عظیم الشان، به شکل آهسته، آهسته خوانده شود و هدف از شکل آهسته و منزل به منزل؛ خواندن حروف آن است تا حق یک حرف، به دیگر حرف نرود و یا به عبارت دیگر: مخرج یک حرف به مخرج حرف دیگر، خلط نشود.

یعنی زمانی که میخواهید خرما را با هم چسپیده را از هم جدا کنید؛ باید به شکلی کوشش شود تا در وقت جدا کردن خرما، چربی یک خرما در خرما دیگر نچسپد و نماند.

مراتب تلاوت از نگاه سرعت و غیر سرعت به چهار قسم است: « ۲ »

۱- ترتیل: در لغت به معنی منظم و مرتب کردن میباشد و در اصطلاح تجوید، تلاوت نمودن قرآن کریم با اطمینان، همراه با تدبیر در معانی آیات آن؛ را ترتیل گویند.

۲- تحقیق: در لغت حق چیزی را اداء نمودن و در اصطلاح تجوید، تلاوت نمودن قرآن کریم با آرامش کامل میباشد که این روش برای کسانی که در حال تعلیم و تعلم قرآن عظیم الشان میباشند، روش مناسبی است.

۳- تحدیر: در لغت سرازیر شدن را گویند و در اصطلاح تجوید، به معنای تلاوت نمودن قرآن کریم با سرعت زیاد همراه با رعایت احکام و قواعد تجوید. البته که این روش برای کسانی که در قرائت قرآن کریم تجربه کافی ندارند، مناسب نمی باشد؛ زیرا با این روش کلمات و حروف را ضایع خواهند ساخت.

۴- تدویر: در لغت دوره کردن و چرخاندن را گویند و در اصطلاح تجوید، تلاوت نمودن قرآن کریم، با سرعت متوسط آمده است. یعنی خواندن قرآن کریم در میان ترتیل و تحدیر، همراه با رعایت احکام و قواعد تجوید.

تذکر: علماء تجوید در میان چهار قسم قرائت؛ ترتیل را به عنوان بهترین روش تلاوت انتخاب نموده اند، زیرا، قرآن کریم با ترتیل نازل شده است.

فصل دوم

الفبای زبان عربی

هر زبان؛ مرکب از « شکل، اسم و تلفظی » خاص بوده و از تعداد معینی حروف الفبا، تشکیل شده است. در اصطلاح علم تجوید مجموع حروف را از « الف تا یاء » بنام « حروف تهجی » یاد میکنند که تعداد این حروف الفبا در زبان عربی « ۲۸ » حرف است.

« الف - با - تا - ثا - جیم - حا - خا - دال - ذال - راء - زاء - سین - شین - صاد - ضاد - طا - ظا - عین - غین - فا - قاف - کاف - لام - میم - نون - ها - واو - یا ».

الفبای زبان عربی				
الفبای زبان عربی دارای « ۲۸ بیست و هشت » حرف می باشد که از جمله « چهارده » حرف شمسی و « چهارده » حرف قمری میباشد .				
ا « الف »	ب « با »	ت « تا »	ث « ثا »	ج « جیم »
ح « حا »	خ « خا »	د « دال »	ذ « ذال »	ر « راء »
ز « زاء »	س « سین »	ش « شین »	ص « صاد »	ض « ضاد »
ط « طا »	ظ « ظا »	ع « عین »	غ « غین »	ف « فا »
ق « قاف »	ک « کاف »	ل « لام »	م « میم »	ن « نون »
ه « ها »	و « واو »	ی « یا »		

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

همچنان باید خاطر نشان ساخت که : از جمله « ۲۸ » حرف الفبای عربی؛ به تعداد « چهارده » حرف آن بنام « شمسی » و بتعداد « چهارده » حرف آن بنام « قمری » تقسیم بندی شده است.

- در تلفظ بتعداد « ۱۵ » پانزده حرف هر کدام : « جیم - دال - ذال - سین - شین - صاد - ضاد - عین - غین - قاف - کاف - لام - میم - نون - واو » به اندازه سه الف یا مد؛ کش داده میشود.

- در تلفظ بتعداد « ۱۲ » دوازده حرف هرکدام: « **با - تا - ثا - حا - خا** - **راء - زاء - طا - ظا - فا - ه - یا** » با اندازه یک الف و یا مد کش داد شده و دو حرف متباقی هر کدام « **الف و ء** » کدام قاعده خاص و یا بخصوص ندارد.

- از مجموع حروف الفبای زبان عربی به تعداد « ۸ » هشت حرف هر کدام: « **خا** - **راء - صاد - ضاد - طا - ظا - غین - قاف** » پر یا « تفخیم » و متباقی حروف باریک یا « ترقیق » تلفظ میشود. البته حرف « **را** » قاعده خاص نیز دارد.

- هر حرفی را که در زبان دری - فارسی با صدای « **زیر** » می خوانیم؛ در زبان عربی آن را با صدای « **الفی** » تلفظ میکنیم. مثلاً: در زبان دری - فارسی « **ب** - **ت** » و در زبان عربی « **باء - تاء** » میباشد.

- بعضاً « **الف مدّی** » را بالای حروف الفبای زبان عربی، اضافه کرده و تعداد آن را به « **بیست و نه** » حرف، بلند برده اند.

- حرف « **الف** » در زبان عربی از حروف ناخوانا و ساکن است و هرگاه متحرک شود آن را « **همزه** » میگویند و بشکل « **ء** »، بالای سه حروف « **أ - و - ئ** » قرار میگیرد.

مثلاً: « **أُولَئِكَ - إِنْ يَشَأْ - لَوْ لَوْ - شِئِي** » و بعضاً بشکل مستقل « **ءَأَنْذَرْتَهُمْ** » نوشته میشود. **أُولَئِكَ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَحَتِ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۶)** البقرة.

- همزه در ابتدا، وسط و آخر قرار میگیرد. مانند: « **أَذْهَبُ - سَأَلَ - قَرَأَ** » ولی « **الف** » هیچ گاه در ابتدای کلمات قرار نمیگیرد. **أَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۱۷)** النازعات.

بنابراین « **الف** » که در ابتدای کلمات قرار داده میشود، « **همزه** » است نه « **الف** »؛ به این اساس حرف اول الفبای زبان عربی « **همزه** » میباشد.

- **حروف شمسی « لام شمسی »:**

حروف شمسی در الفبای زبان عربی به « **چهارده** » حرف تقسیم شده و « **الف و لام** - تعریف » در ابتدای حروف شمسی واقع میشود، در آن صورت « **لام** » خوانده یا تلفظ نمی شود و خود حرف « **حرف سوم** »؛ مشدد « **شدت** » پیدا مینماید. که بنام « **ادغام شمسی** » نیز یاد میشوند.

مثلاً: **التَّوْبَةُ ، الثَّاقِب ، الدَّار ، الذِّكُور ، الرَّحِيم ، الزَّانِي ، السَّوْق ، والشَّمْس ، الصَّبْر .** و یا مثلاً: در ایه « **الرَّحْمَنُ الرَّحِيم (۳)** » سوره ۱: **الفاتحة**؛ که حرف « **الف** » مستقیم با حرف « **را** » مشدد تلفظ شده و حرف « **لام** » تلفظ نمیشود.

حروف شمسی « لام - شمسی »

در الفبای زبان عربی « چهارده » حرف بنام « شمسی » تقسیم شده است .

ت « تا »	ث « ثا »	د « دال »	ذ « ذال »	ر « راء »
ز « زاء »	س « سین »	ش « شین »	ص « صاد »	ض « ضاد »
ط « طا »	ظ « ظا »	ل « لام »	ن « نون »	

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

ضمناً باید خاطر نشان ساخت که : در کلمه « وَالشَّمْسِ » « الف - لام تعریف » تلفظ نمیشود و بالای حرف چهارم « شین » شدد « مشدد » وارد شده و به « وشمس » تلفظ میگردد. مثلاً: **وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸) یس.**

- حروف قمری « لام قمری »:

حروف قمری « لام - قمری »

در الفبای زبان عربی « چهارده » حرف بنام « قمری » تقسیم شده است .

ا « الف »	ب « با »	ج « جیم »	ح « حا »	خ « خا »
ع « عین »	غ « غین »	ف « فا »	ق « قاف »	ک « کاف »
م « میم »	ه « ها »	و « واو »	ی « یا »	

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

حروف قمری در الفبای زبان عربی به « چهارده » حرف تقسیم شده و در صورتیکه « الف - لام تعریف » ، قبل از حروف قمری قرار گیرد ؛ خوانده یا تلفظ می شود که به همین اساس به آنها « اظهار قمری » نیز میگویند و بشکل ذیل بیان شده است :
« حقا که غم خوف عجیب ». مثلاً: **الْإِنْسَانُ ، الْبَحْرُ ، الْجَنَّةُ ، الْحَافِظُ ، الْخَائِفُ .**

- « الْإِنْسَانُ » : **وَيَذَعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (۱۱) الإسراء .**

- **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) سوره ۱: الفاتحة .**

فصل سوم

مخارج حروف

مخارج حروف؛ در «حلق، زبان و لب» قرار دارد و آن قسمت از دستگاه تکلم است که حروف بشکل «اوتار صوتی» از مخارج مربوطه، خارج یا تلفظ میشود و به سه شکل: «مخارج حروف، حقوق حروف و مستحقّات حروف» میباشد.

۱- مخارج حروف: مخارج حروف از جمله مسائل علم تجوید است که خود شاخه ای از علوم قرآنی بوده و به اساس رهنمود علم تجوید، هر یک از حروف از جایگاه خاصی تلفظ میشوند و بنام «مخارج حروف» یاد میگردند.

۲- حقوق حروف: عبارت از حالاتی مختلفی است که حروف گوناگون به صورت انفرادی و بدون آنکه در بین کلمات قرار گیرند، اداء میشود.

مثلاً در هنگام تلفظ بعضی حروف زبان بطرف کام دهن «بالا سقف دهان» می چسپد و در این حالت «درشت و پرحجم» تلفظ صورت میگردد و همچنان بر خلاف بعضی حالت زبان در وقت تلفظ پایین آمده و از سقف دهان دور میشود که حروف «نازک و کم حجم» اداء میگردد.

۳- مستحقّات حروف: حالتی را میگویند که حروف در ترکیب خود با حروف دیگر در کلمات و یا به خاطر داشتن حرکات مختلف پیدا کرده که معمولاً در احکام نون ساکن و تنوین و قواعد احکام «اظهار، ادغام، اقلاب و اخفاء» میباشد.

باید تذکر داد که :

مخارج : جمع «مخرج» است، در لغت محل خروج و در اصطلاح عبارت از جای است که از آنجا حروف خارج و یا تلفظ می شود.
مخارج حروف به طور عمومی از «پنج» موضع عمومی و از «هفده» محل خصوصی خارج می گردند، که عبارتاً از هریک:

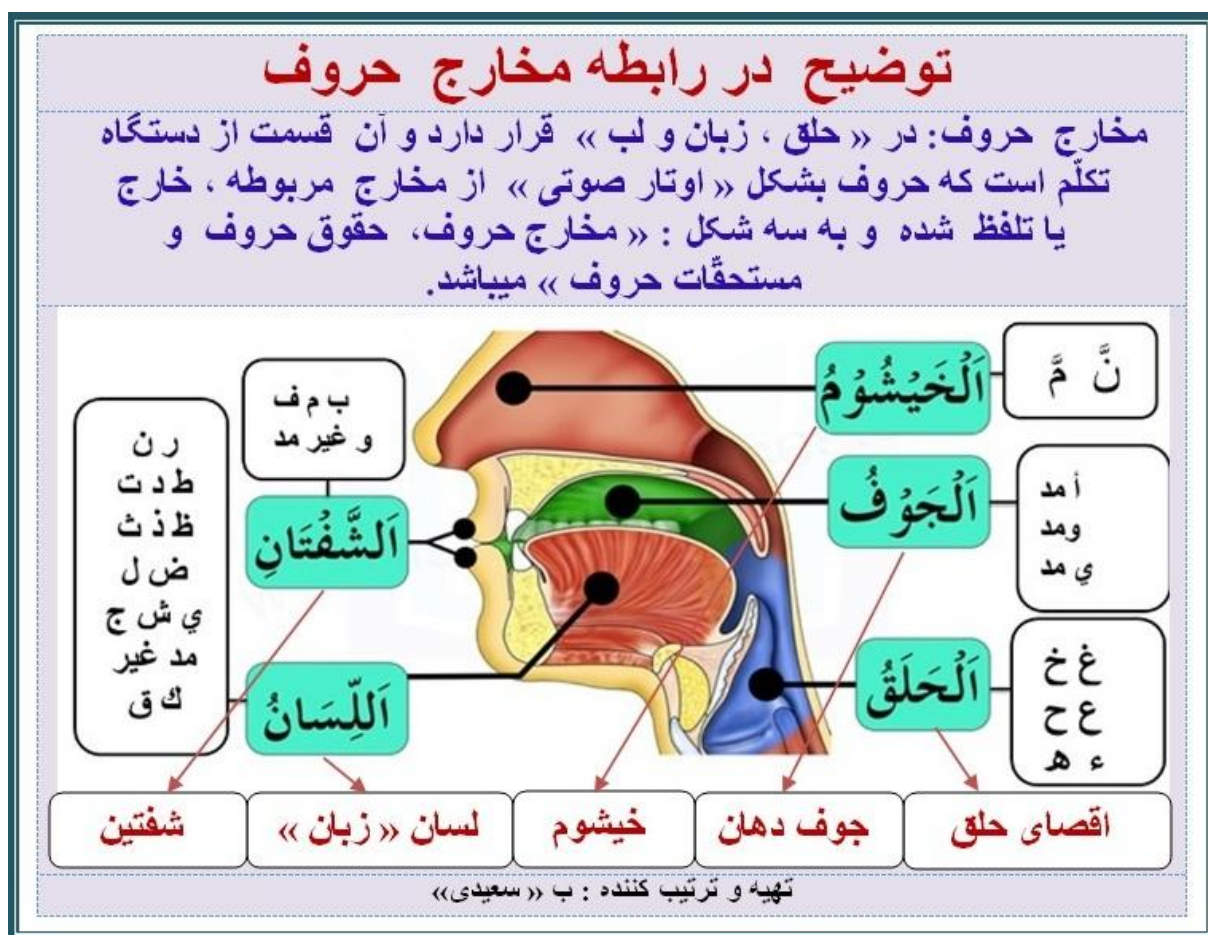
۱- جوف دهان «الجوف»: جوف بمعنی خالیگاه دهن است که از آن سه حرف هر یک: «واو، یاء و الف» خارج میگردد.

۲- اقصای حلق «الحلق»: عبارت از مجرای خوردن و نوشیدن است که در آخر دهن قرار دارد و دارای مخرج «غ، خ، ع، ح، ع، ه» میباشد.

۳- لسان «اللسان»: در زبان عربی لسان عبارت از «زبان» است که محل مخرج «ر - ن - ط - د - ت، ظ - ذ - ث - ض - ل - ی - ش - ج - مد غیر ک - ق» میباشد.

۴- شفتین « الشفتان »: بمعنی شفع و شفع بمعنی « تسمیه لبها » است که محل حروف « ب ، م ، ف و غیر مد » میباشد.

۵- خیشوم « الخیشوم »: خیشوم راه تنفسی بینی و یا آخر بینی است که از آن حرف « ن ، م » در حالت « غَنَه » خارج میشود .
غَنَه: یعنی بردن آواز در بینی و مقدار غَنَه به اندازه « یک » حرکت یا یک الف می باشد.



یادداشت: برای پیدا کردن مخرج یک حروف ، باید حرف را ساکن نموده و یک همزه مفتوحه « فَتْحَه » بر سر آن بگذاریم .

مثلاً: حرف « ب ، ت ، ث ، ج ، غ » را میتوان به « اب ، ات ، اث ، اج ، اغ » تلفظ کرد و در هنگام تلفظ « محلی » که صوت « صدا » ما در آنجا قطع میشود، مخرج همان حرف نامیده میشود.

تفصیل باب مخرج حروف

تفصیل باب مخرج حروف					
جوف دهن	اول حلق	وسط حلق	حلق	بیخ زبان	فوق زبان
ا، و، ی	ه، ع	ح، ع	غ، خ	ق	ک
۱	۲	۳	۴	۵	۶
وسط لسان « وسط زبان »	کناره زبان	نزدیک کناره زبان	طرف زبان لسان	کناره زبان « بیره »	نوک زبان
ج، ش، ی	ض	ل	ن	ر	د، ط، ت
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
نوک زبان	نوک زبان	نوک دو دندان	وسط لبها	خشیوم بینی	
ظ، ذ، ث	ص، ز، س	ف	و، م، ب	غنه، ن، م	
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- ۱- **جوف دهن:** از این مخرج سه حرف هریک: ا « الف »، و « واو »، ی « یا » خارج میشود.
- ۲- **اول حلق از طرف سینه « اقصای حلق »:** از آن دو حرف هریک: ع « همزه » - ه « هاء » خارج میشود.
- ۳- **وسط حلق:** از آن دو حرف هریک: ع « عین » و ح « حا » خارج می شود که در حرف « ع » آواز شامل میباشد و در حرف « ح » آواز و « هوا » شامل نمی باشد.
- ۴- **حلق « لسان ، ادنای حلق »:** مخرج آخری است که از آن دو حرف هریک: غ « غین » و خ « خا » خارج می گردد.
- ۵- **بیخ زبان:** در اخیر کام قرار دارد و از آن حرف ق « قاف » خارج می گردد.
- ۶- **فوق زبان « آخرین قسمت زبان - ریشه زبان »:** از آن حرف ک « کاف » خارج می گردد.
- ۷- **وسط لسان « وسط زبان »:** مخرج سه حرف هریک: ج « جیم »، ش « شین » و ی « یاء » میباشد که بنام حروف « شجری » یاد میشود.

البته در وقت اداء کردن حرف « شین » زبان انقدر به شدت به کام نمی چسپد ، به مثل که حرف « ج » میچسپد . حرف « ج » به سختی است ، مثل « حج » ؛ و در اداء کردن حرف « ی » فاصله زیاد میماند.

۸- **کناره زبان « حافة لسان »:** با دندانهای اضراس بوده و مخرج حرف ض « ضاء » میباشد . و حرف « ض » از جمله سقیل ترین حرف بالای زبان میباشد و این مخرج بنام « ضرسی » نیز نامیده میشود. « حرف ضرسی « ض »: عامل تماس کناره زبان با دندان های اضراس است. ».

۹- **نزدیک کناره زبان « دو کناره بیرونی زبان »:** از این مخرج ، حرف ل « لام » خارج می گردد.

۱۰- **طرف زبان، لسان « سرزبان »:** از این مخرج ، حرف ن « نون » خارج می گردد.

۱۱- **کناره زبان « بیره »، نوک زبان :** از این مخرج ، حرف ر « راء » خارج می گردد . البته حرف « ر » نزدیک به مخرج « ن » میباشد و در وقت اداء کردن از پشت زبان ظاهر میشود.

۱۲- **نوک زبان « بیخ ثنایای علیا »:** از این مخرج سه حرف هریک : د « دال » ، ط « طاء » و ت « تاء » خارج شده و بنام حروف « نطعی » یاد میشود . البته در صورتیکه صدا قطع شود « د » به « ت » تبدیل میشود.

۱۳- **نوک زبان همراه دندانها « لبه ثنایای بالا »:** از این مخرج سه حرف هریک : ظ « ظاء » ، ذ « ذاء » ، ث « ثاء » خارج شده و بنام « لثوی » نیز یاد میشود.

۱۴- **نوک زبان « کناره ثنایای فک پائین »:** از این مخرج سه حرف هریک : ص « صاد » ، ز « زاء » ، س « سین » خارج می گردد که این سه حروف بنام « صفر » یعنی « تیزی » و یا « اسلی » نیز یاد میشود.

۱۵- **نوک دو دندان و یا تری لب پائین:** از این محل ، حرف ف « فاء » خارج می گردد.

۱۶- **وسط لبها « هر دو لب »:** از این محل سه حروف هریک : و « واو » ، م « میم » ، ب « با » خارج می گردد و بنام حروف « شفوی یا شفهی » یعنی « لبی » نیز یاد میشود.

قابل یاددهانی است که: تری هر دو لب در حالت پیوسته بهم مخرج دو حرف « ب » ، م « و در حالت باز مخرج حرف « و » میباشد.

۱۷- **خشیوم:** خیشوم و یا راه تنفسی بینی؛ دارای یک مخرج خصوصی برای دو حرف « ن ، م » فقط در حالت « غنه » میباشد.

حروف و مخارج آنها

- حروف حلقی: شش حرف هریک « **ع - ه - ح - ع - خ - غ** » میباشد که از مخارج: « جوف دهان ، اول حلق از طرف سینه » اقصای حلق « ، وسط حلق و حلق « لسان ، ادنای حلق » خارج میگردد. « صفحه ۱۶ ، تفصیل باب مخرج حروف ».
- حروف لهوی: « **ق - ک** » لهات « زبان کوچک ».
- حرف ضرسی: « **ض** » چون تعداد زیادی از دندان های الاشه گی در تلفظ آن دخالت دارند.
- حروف شجری: « **ج - ش - ی** » شجر یعنی « سقف دهان ».
- حروف لثوی: « **ر - ل - ن** » لثه « بیره » را گویند و بیره در ایجاد این حروف نقش اصلی را دارد.
- حروف نطعی: « **ت - د - ط** » برجستگی های بیره در پشت ثنایای بالا را نطع می گویند.
- حروف ذلقی یا ذولقی: « **ث - ذ - ظ** » ذلق به معنی تیزی نوک زبان است.
- حروف اسلی: « **ز - س - ص** » أسلة اللسان یعنی قسمت جلویی زبان « باریکه ی سر زبان ».
- حروف شفوی یا شفهی: « **ب ، ف ، م ، و** » شفوی یعنی « لبی ».
- حروف جوفی یا هوایی: « **ا - و - ی** » میباشد.

مخارج و رعایت تلفظ صحیح حروف

الفبای زبان عربی به تعداد « ۲۸ » حروف داشته که از جمله فقط تلفظ « ده » حرف هر کدام:

(**ث « ثاء » ، ح « حاء » ، ذ « ذال » ، ص « صاد » ، ض « ضاد » ، ط « طاء » ، ظ « ظاء » ، ع « عین » ، غ « غین » ، و « واو »)**
 با الفبای زبان دری - فارسی فرق و یا تفاوت اساسی دارد و متباقی « هژده » حرف چندان تفاوت اساسی ندارند ، که رعایت تلفظ صحیح آنها ؛ ذیلاً بیان میگردد .

- **حرف ث « ثاء »:** با تماس نوک زبان با سر دو دندان پیشین بالا، البته نازک و ظریف تلفظ میشود.

مثلاً: « **إِثْمٌ - كَثِيراً - ثَلَاثُونَ** » **ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ** (سوره ۲: البقرة).

- **حرف ذ « ذال »:** از برخورد نوک زبان با سر دندانهای جلو بالا با نرمی، تلفظ میشود. مثلاً: « **مُنذِرِينَ - مُحذَرًا - ذَلِكُ** » **ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ** (۲).

سوره ۲: البقرة .

- حرف ط « طاء »: از برخورد سر زبان به محل اتصال دندانهای جلو با لثه بالا با جمع شدن لبها تلفظ میشود.

مثلاً: « طَائِفَاتٍ - يُطَوِّفُ » إِذْ هَمَّتْ طَائِفَاتٌ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾ آل عمران.

- حرف ظ « ظاء »: از برخورد بخش مجاور نوک زبان به محل اتصال دندانهای جلو با لثه بالا، البته بشکل درشت و پرحجم تلفظ میشود.

مثلاً: « ظَالِمُونَ - عَظِيمٌ » وَظَلَلْنَا عَلَيْكُمْ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾ سوره ٢: البقرة.

- حرف ص « صاد »: بشکل درشت و پرحجم ادا میشود، البته زبان به کام بالا تمایل داشته و در دهان جمع شده و لفظ میشود.

مثلاً: « صَادِقُونَ - صُمُّ بَكْمٌ عُمِيٌّ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ سوره ٢: البقرة.

- حرف ض « ضاد »: از تماس کناره زبان با کناره دندانهای آسیا در فک بالا تلفظ میشود، البته حرف « ضاد » پرحجم ترین و درشت ترین حرف در زبان عرب است و از جانب هم چون ریشه زبان به سمت بالا تمایل دارد، درشت و پرحجم ادا میشود.

مثلاً: « مُغْضُوبٌ - ضَالِّينٌ » صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾ سوره ١: الفاتحة.

- حرف ح « حاء »: از میان حلق با دمیدن هوا و گرفتگی خاصی ادا میشود.

مثلاً: « حَافِظُوا - الرَّحِيمِ » الرَّحْمَنُ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ سوره ١: الفاتحة.

- حرف ع « عين »: از میان حلق تلفظ میشود و صدای حرف به دیواره حنجره کشیده شده و صدایی غلیظ و قابل امتداد را میدهد.

مثلاً: « عَمَلًا - تَعْلَمُونَ » إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾ الكهف.

- حرف غ « غين »: از ابتدای حلق به زبان کوچک نزدیک شده و به صورت نرم و کشیده ادا می شود.

مثلاً: « إِغْفِرُ - يُبْغُونَ » قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾ الأعراف.

- حرف و « واو »: با عبور هوا از میان دو لب در حالی که لبها به صورت دایره و غنچه در آمده، تلفظ میشود.

مثلاً: « بَلُونَاهُمْ - يُؤْسِسُ » وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ سوره ٢: البقرة.

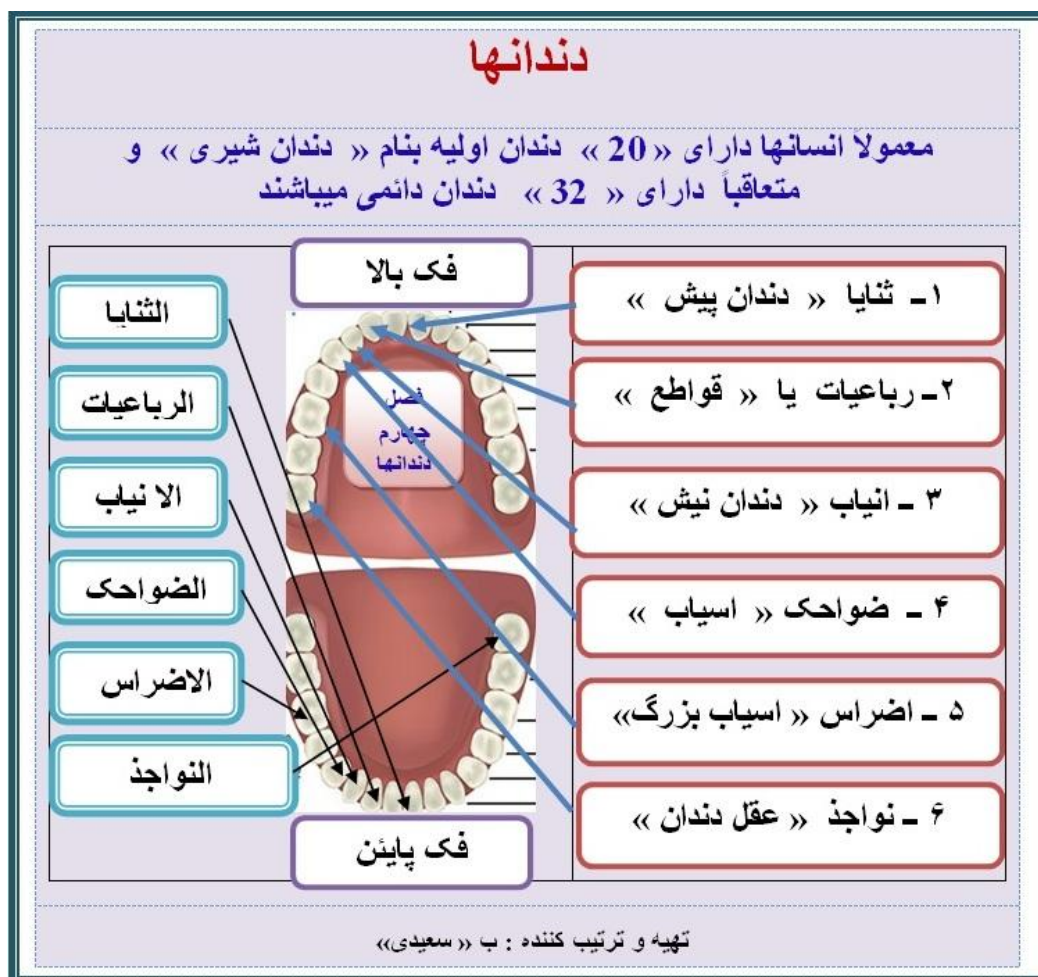
فصل چهارم

دندانها

دندان : دندان بخش سخت و محکمی در « فک انسان » است که عمدتاً برای جویدن ، تکه کردن، بریدن و آسیاب غذا بوده و همچنان نقش مهمی در تکلم و ادای صحیح کلمات، دارد.

قابل تذکر است که: معمولاً انسانها دارای بیست « ۲۰ » دندان اولیه بنام « دندان شیری» و متعاقباً دارای سی و دو « ۳۲ » دندان دائمی میباشند که توسط « ریشه ، تاج ، مینا ، عاج و ساراج » پوشانیده شده و به نام « دندان پیش ، دندان نیش و دندان آسیاب » تقسیم و یاد میگردد.

مخارج حروف الفبای زبان ، لب و دندانها بوده و از جانب هم اکثراً مخارج حروف در تجوید قرآن کریم ، به دندان ها تعلق دارد . بناً ضرورت است تا به شکل درست آنها را شناخت که از کدام جای اداء و از کدام مخرج ، آواز از آنها خارج و یا تلفظ میگردد.



۱- **ثنایا « دندان پیش »** : البته دو دندان پیشروی طرف بالا بنام « ثنایای علیا » و دو دندان پایان دهن بنام « ثنایای سفلی » یاد میشوند.

۲- **رباعیات یا « قواطع »** : البته دو دندان بطرف بالا و دو دندان بطرف پائین بنام « رباعیات » یاد میشوند.

۳- **انیاب « دندان نیش »** : دو دندان بالا و دو دندان پائین بنام انیاب یا « کواسر » یاد میشود.

۴- **ضواحک « آسیاب کوچک »** : دو دندان بالا و دو دندان پائین بنام ضواحک یاد میشود.

۵- **اضراس « آسیاب بزرگ »** : سه دندان بالا و سه دندان پائین بنام اضراس یاد میشود.

۶- **نواجذ « عقل دندان »** : دو دندان الاشه بالا و دو دندان الاشه پائین ؛ بنام نواجذ یاد میشوند.

یادداشت: کمیت و نام « دندانها » به صورت شعری به نظم ذیل در آورده شده است.

سی و دو ز دندانها یاد دار — ثنایا چهار و رباعی چهار
چهارند انیاب و اضراس بیست — ضواحک طواحن نواجذ شمار
ضواحک چهارند بی قیل و قال — طواحن ده و دو نواجذ چهار

فصل پنجم

صدای کوتاه و صدای کشیده

حرکات و یا صداها نقش اساسی در تلفظ حروف و کلمات قرآن عظیم الشان دارد و به دو شکل: صدای کوتاه و صدای کشیده، تقسیم شده است.

۱- صدای کوتاه یعنی حرکات «فَتْحَه، كَسْرَه و ضَمَّه»:

حرکات در ادبیات عبارت از «تکان خوردن، جنبیدن و تغییر مکان دادن» است و در اصطلاح علم تجوید عبارت از حرکت کوتاه و یا صدای سه گانه: «فَتْحَه، كَسْرَه و ضَمَّه» میباشد که از چگونگی ادای حروف تهجی حکایت میکند و هرگاه دارای حرکت باشند، آن را «متحرك» نیز میگویند. مثلاً «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴) الفاتحة».

- حرکت فَتْحَه یا زبر «حرف مفتوح»:

فَتْحَه: حرکت فَتْحَه «بالای» حروف قرار میگیرد و بمعنی باز شدن «دهان» است و در اصطلاح علم تجوید عبارت از باز شدن «دهان و لب» در وقت تلفظ کردن بسمت «بالا» بوده و صدای «أ» را میدهد و به نام «حرف مفتوح» نیز نامیده میشود.

فَتْحَه: یعنی «الف مقصوره ای» که در سر حرف قرار داده میشود و در وقت صدای «أ» در مخرج آن کشیده میشود.

مثلاً: «أ، بَا» همچنان در تلفظ فَتْحَه یا «حرف مفتوح» کوشش شود تا صدا کوتاه باشد و با مثل الف «مدی»، کش داده نشود.

حرکت فَتْحَه یا «زبر»

فَتْحَه: حرکت فتحه «بالای» حروف قرار میگیرد و بمعنی باز شدن «دهان» است و در اصطلاح علم تجوید عبارت از باز شدن «دهان و لب» در وقت تلفظ کردن بسمت «بالا» بوده و صدای «أ» را میدهد و به نام «حرف مفتوح» نیز نامیده میشود.

« - » مثلاً: « أ - بَا »

- حرکت کَسْرَه یا زیر « حرف مکسور »:

کَسْرَه: حرکت کَسْرَه در « زیر » یک حرف قرار میگیرد ، بمعنی « شکسته » میباشد و در اصطلاح علم تجوید به حرکت گفته میشود که در وقت تلفظ لب پائین، حالت شکسته را به خود اختیار میکند و بنام « حرف مکسور » نیز یاد میشود.
مثلاً: « ا - یا - جا » « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ » « ا : الفاتحة ».

حرکت کَسْرَه یا « زیر »
<p>کَسْرَه: حرکت کسره در « زیر » یک حرف قرار میگیرد ، بمعنی « شکسته » میباشد و در اصطلاح علم تجوید به حرکت گفته میشود که در وقت تلفظ « لب » پائین حالت شکسته را به خود اختیار میکند و بنام « حرف مکسور » نیز یاد میشود .</p>
« - » مثلاً : « ا - یا »
تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

کَسْرَه: یعنی « الف مقصوره ای » که در زیر حرف قرار داده میشود ، صدای « ی » را میدهد و زیاد صدا کش داده نشود که صدای « ی » را ندهد.

کَسْرَه: اگر کَسْرَه در زیر حرف قرار گرفت که بعد از آن حرف « ی » ساکن باشد؛ در آن وقت صدای « ی » در مخرج آن کشیده میشود .

- حرکت ضَمَّة و یا پیش « حرف مضموم »:

ضَمَّة: ضَمَّة « بالای » یک حرف قرار میگیرد؛ مثل حرف « و » کوچک است و در اصطلاح تجوید به حرکت میگویند که در تلفظ ، لبها به اهسته جمع و به هم پیوسته و غنچه میشوند و آن را « حرف مضموم » نیز میگویند. مثلاً: « ا - با » « أُولَئِكَ عَلٰی هُدٰی مِنْ رَبِّهِمْ ».

حرکت ضَمَّة و یا « پیش »
<p>ضَمَّة: ضمه « بالای » یک حرف قرار میگیرد ؛ مثل حرف « و » کوچک است و در اصطلاح تجوید به حرکت میگویند که در تلفظ « لبها » به اهسته جمع و به هم « پیوسته و غنچه » میشوند و آن را « حرف مضموم » نیز میگویند .</p>
« - » مثلاً « ا - با »
تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

ضَمَّةٌ : بشکل « پیش سرچپه » بوده ، اگر بالای حرف قرار گرفت که بعد از آن « و » ساکن باشد؛ در آن صورت صدای « آو » درمخرج آن کشیده میشود. مثلاً: « آو ، بوو » ضَمَّةٌ در وقت صدا ، کوشش شود که زیاد کشیده نشود و صدای « آوو » را ندهد.

توضیح : درموقع تلفظ حرکت « فَتْحَةٌ ، كَسْرَةٌ و ضَمَّةٌ » کوشش شود تا صدا کوتاه و زیاد کش داده نشود که به همین اساس این سه حرکت را بنام « حرکت کوتاه » نیز یاد میکنند.

۲- صدای کشیده « حروف مدّی » :

صدای کشیده « حروف مدّی »

حرکت یا صدای کشیده که بنام « حروف مدّی » نیز یاد میشود ؛ عبارت از :
 « الف - یاء - واو » بوده و از کشش صدای « فَتْحَةٌ ، كَسْرَةٌ و ضَمَّةٌ » تشکیل میشوند .

« آ - او - ای »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

حرکت یا صدای کشیده که بنام « حروف مدّی » نیز یاد میشود ؛ عبارت از : « الف - یاء - واو » بوده و از کشش صدای « فَتْحَةٌ ، كَسْرَةٌ و ضَمَّةٌ » تشکیل میشوند.
۱- صدای کشیده « آ » فَتْحَةٌ :

هر وقتی که روی یک حرف علامت فَتْحَةٌ قرار داشت و بعد از آن حرف « آ » قرار گیرد؛ در آن وقت آن حرف که فَتْحَةٌ دارد ، با صدای « آ » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود.

صدای کشیده « آ » فَتْحَةٌ

هر وقتی که روی یک حرف علامت فَتْحَةٌ قرار داشت و بعد از آن حرف « آ » قرار گیرد؛ در آن وقت آن حرف که فَتْحَةٌ دارد ، با صدای « آ » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً :

الف به شکل بلند (۱)			
كَانَ	قَالَ	خَافَ	مَكَانَ
الف کوتاه تنها (۲)			
تَبَرَّكَ	أَعْمَلُهُمْ	مَشْرِقَ	أَيْمَانُهُمْ
أُمَّهَاتِكُمْ	يُجَلِّدُ	أَنْزَلْنَاهُ	جَنَّتْ

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

۲- صدای کشیده « ای » کسره:

هر وقتی که روی یک حرف علامت کسره قرار داشت و بعد از آن حرف « ی » قرار گیرد؛ در آن وقت آن حرف که کسره دارد، با صدای « ی » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً: « هُدَى لِلْمُتَّقِينَ » ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدَى لِلْمُتَّقِينَ (۲) البقرة.

صدای کشیده « ای » کسره

هر وقتی که روی یک حرف علامت « کسره » قرار داشت و بعد از آن حرف « ی » قرار گیرد؛ در آن وقت آن حرف که « کسره » دارد، با صدای « ی » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً:

ای	بی	ری	سی	صی
کی	نی	وی	هی	یی

تهیه و ترتیب کننده: ب « سعیدی »

۳- صدای کشیده « او » ضمه:

هر وقتی که روی یک حرف علامت ضمه قرار داشت و بعد از آن حرف « و » قرار گیرد؛ در آن وقت، آن حرف که ضمه دارد، با صدای « او » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً: « قَالُوا أَنْوْمِنُ » قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ (۱۱۱) الشعراء.

صدای کشیده « او » ضمه

هر وقتی که روی یک حرف علامت « ضمه » قرار داشت و بعد از آن حرف « و » قرار گیرد؛ در آن وقت، آن حرف که « ضمه » دارد، با صدای « او » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً:

او	بو	تو	ثو	جو
دو	ذو	غو	وو	هو

تهیه و ترتیب کننده: ب « سعیدی »

فصل ششم

علامت مد « ~ »

مد : بمعنی کشیدن ، دراز کردن و یا طولانی کردن است و در اصطلاح علم تجوید عبارت از کشش و یا امتداد صوت « آواز » در حروف مدی « آ - و - ی » میباشد.

علامت « مد »		
علامت مد : فقط بالای « سه » حرف الفبای زبان عربی : « ا ، و ، ی » قرار میگیرد .		
<p>إِنِّي أَعْلَمُ وَجِئْتُ يُضِيءُ</p> <p>يَ</p>	<p>تَأْمُرُونِي قَالُوا آمَنَّا قُوا أَنْفُسَكُمْ</p> <p>وَ</p>	<p>جَاءَ شَهَدَاءَكُمْ أَصَاعَتْ</p> <p>آ</p>
تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »		

حروف مدی « آ - و - ی » :

مد به روی سه حرف الفبای زبان عربی هریک : « آ - و - ی » قرار میگیرد که آن را بنام « وای » و یا حروف « علت » نیز یاد مینمایند و همچنان مد استثناً بالای حروف مقطعه « مُقَطَّعات » که در ابتدائی « بیست و نه » سوره قرآن کریم آمده، نیز قرار میگیرد .

واحد اندازه گیری حروف مدی :

واحد اندازه گیری مد ، حرکت است؛ یعنی یک « الف » مساوی به « دو حرکت » است و « دو حرکت » مساوی به « یک ثانیه » میشود .
اگر چه در رابطه به اندازه و یا مقدار کشیدن حروف مدی؛ کدام اندازه معین وجود ندارد، ولی مشایخ و استادان « علم تجوید » متفق النظر هستند که:
حروف مدی از: « یک الف » که مساوی به « دو حرکت » و یا بستن « دو انگشت » میشود ، تا « سه الف » که مساوی به « شش حرکت » و یا بستن « شش انگشت » میشود؛ مد و یا کش داده میشود .

علماء و استادان « علم تجوید » در رابطه به « حروف مدی » چنین گفته اند:

مد ها دیباج « پارچه ابریشمی » قرآن کریم هستند ؛ همانگونه که پارچه ابریشم را برای زیبایی و آراستگی به تن میکنند ، به همان شکل مد و کشش صوت ، باعث آرایش و زیبایی در قرائت و یا روخوانی قرآن کریم میگردد.

قابل تذکر است که : اسباب مد عبارت از « همزه و تشدید » میباشد و علامت « مد » به ترتیب ذیل واقع میگردد.

– هروقتیکه بعد از حروف مدی ؛ حرف همزه « ء » یا علامت « تشدید » قرارگیرد در آن صورت علامت « مد » واقع میگردد. مثلاً:

– **وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا** « ۳۰ » سوره ۷۶: الإنسان .
در کلمه « **تَشَاءُونَ** » بعد از « الف » مدی ؛ « همزه » واقع شده است.

– **صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ** (7) سوره ۱: الفاتحة.
کلمه « **وَالضَّالِّينَ** » بعد از « الف » مدی ؛ بالای حرف « لام » تشدید واقع شده است.

– در صورتیکه « الف » : خودش ساکن و قبل آن **فَتْحَهُ** یا « زیر » داشته باشد. مثلاً :

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۱۰) سوره ۲:
البقرة : در کلمه « **فَزَادَهُمُ اللَّهُ** » حرف مدی « الف » ساکن و حرف قبل از آن « زَا » حرکت « زیر » دارد ، در این حالت « مد » واقع شده و دو حرکت کش میشود.

– در صورتیکه « واو » : خودش ساکن و قبل آن پیش ضمه و یا « پیش » داشته باشد.

مثلاً : **أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** (۵) سوره ۲: البقرة : در کلمه « **هُمُ الْمُفْلِحُونَ** » حرف مدی « واو » ساکن و حرف قبل از آن « حَا » حرکت « پیش » دارد ، در این حالت « مد » واقع شده و به حرف « واو » دو حرکت کش داده شود.

– در صورتیکه « یا » : خودش ساکن و قبل آن کسره یا « زیر » داشته باشد. مثلاً :

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ (۲) سوره ۲: البقرة : در کلمه « **هُدًى لِلْمُتَّقِينَ** » حرف مدی « یا » ساکن و حرف قبل از آن « قَاف » حرکت « زیر » دارد ، در این حالت « مد » واقع شده و به حرف « یا » دو حرکت کش داده شود.

قابل یاددهانی است که : در بعضی مصحف قرآن کریم به عوض حروف مدی ، از علایم چون « الف » کوچک ، « واو » کوچک و یا « یا » کوچک که نشان دهنده حروف مدی میباشد، نیز استفاده شده است. مثلاً :

– **فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ** (۲) سوره ۱۰۷: الماعون. در « **فَذَلِكَ** » بعد از حرف « ذال » یک « الف » کوچک ، که منحیث « الف » مدی میباشد، نشانی شده است.

همچنان « یا » کوچک در: **إِلَيْهِمْ رَحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ** « ۲ » سوره ۱۰۶: قريش و یا حرف مدی « واو » در: **فَأَمَّةٌ هَاوِيَةٌ** « ۹ » سوره ۱۰۱: القارعة .

مد اصلی « مد طبیعی یا مد ذاتی » :

مدی است که محتاج به اسباب نباشد و در سه حرف مدی « آ - و - ی » واقع می‌شود و یا مدی است که خودش ساکن و حرف قبل از آن حرکت داشته باشد و یا مدی است که هم در حالت « وقف » و هم در حالت « وصل » بشکل « طبیعی » وجود داشته و به شکل ذاتی به اندازه یا مقدار یک « الف » که مساوی به « دو حرکت » است؛ کش داده می‌شود. مثلاً :

- **صِرَاطِ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (7) سورة ۱: الفاتحة :**

در « صِرَاطِ » حرف « الف » از جمله حرف مدی است و حرف ما قبل آن « را » زبر دارد، باید بشکل طبیعی به اندازه دو حرکت کش داده شود و همچنان این مد طبیعی باعث آن می‌شود که فرق بین « زبر » و « الف » صورت گیرد.

مثلاً : در « تَوَابٍ » که حرف « با » زبر دارد یک حرکت و در « تَوَابِ » که مد طبیعی « الف » است ، به اندازه دو حرکت کش داده می‌شود.

- **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5) سورة ۱: الفاتحة :**

مدی است و ساکن می‌باشد و حرف قبل آن « یا » که زبر دارد، در اینجا حرف مدی « الف » باید بشکل طبیعی « دو حرکت » کش داده شود .

- **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2) سورة ۱: الفاتحة :**

حرف مدی است و حرف قبل آن حرف « میم » زبر دارد ، در اینجا باید حرف مدی « یا » بشکل طبیعی « دو حرکت » کش داده شود .

- **قُلْ أَفَعَبَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ (64) سورة ۳۹: الزمر :**

حرف « واو » از جمله حرف مدی است و حرف قبل آن « را » پیش دارد، باید در اینجا حرف مدی « واو » بشکل طبیعی « دو حرکت » کش داده شود .

مد فرعی :

مد فرعی ؛ مدی است که محتاج به اسباب باشد و یا به علت واقع شدن « همزه ، سکون و تشدید » با حرف مدی به وجود می‌آید و باید تا اندازه چهار حرکت کش داده شود.

مثلاً : **وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (30) سورة ۷۶: الإنسان .**

البته « الف » مدی در کلمه « تَشَاءُونَ » ، مد فرعی می‌باشد و بعد از آن همزه واقع شده است و باید در وقت قرائت و یا روخوانی تا « چهار حرکت » کش داده شود .

- هر وقتیکه بعد از حروف مدی ، حرف همزه « ه » ، علامت « سکون » و یا علامت

« تشدید » قرار گیرد ، در آن صورت مد فرعی واقع می‌شود و به اشکال ذیل : « مد متصل ، مد منفصل ، مد لازم ، مد سکون عارضی و مد لاین » تقسیم شده است .

مد متصل:

هر وقتیکه بعد از حروف مدی ؛ حرف همزه « ء » واقع شود ، و هردو « مد و همزه » در یک کلمه قرار گیرد ، در آن صورت « مد متصل » نامیده میشود . البته ؛ کشیدن مد در « مد متصل » بالای قرانت کننده واجب « لازم » است و باید به اندازه پنج « حرکت » کشش داده شود.

مثلاً : - **فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ (۲۷)** **سوره ۶۷: الملك :** در کلمه « **سَيِّئَتْ** » بعد از حرف مدی « **يَا** » ، حرف همزه قرار گرفته که در این حالت مد متصل در یک کلمه قرار دارد و باید مد « **يَا** » بشکل لازمی تا « پنج حرکت » کش داده شود.

مد منفصل:

هر وقتیکه بعد از حروف مدی ؛ حرف همزه « ء » واقع شود و هر دو « مد و همزه » در دو کلمه جداگانه قرار گیرد، در آن صورت « مد منفصل » نامیده میشود . البته ؛ کشیدن مد در « مد منفصل » جائز « اختیاری » است و باید به اندازه چهار « حرکت » به مد کش داده شود.

مثلاً : - **مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ (۲)** **سوره ۱۱۱: المسد.** « **مَا** » در یک کلمه و « **أَغْنَىٰ** » در کلمه دیگر قرار دارد که در این حالت؛ مد « **مَا** » به اندازه « چهار حرکت » کش داده شود .

مد لازم :

هر وقتیکه بعد از حروف مدی « **آ - وَ - يَ** » ، شدد « تشدید » یا حرف ساکن اصلی قرار گیرد، مد لازم واقع میگردد. در آن صورت باید حروف مدی ؛ به اندازه شش « حرکت » و یا بستن تا شش انگشت ، کشیده شود.

مثلاً : - **صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (7)** **سوره ۱: الفاتحة.** در « **الضَّالِّينَ** » : چون بعد از مد « **الف** » ، در حرف « **لام** » تشدید آمده و از جانب هم « **لام** » اول ساکن است، بناً در این حالت مد واقع شده و « **الف** » به اندازه شش حرکت کش داده شده و متعاقباً حرف « **لام** » اول ساکن و بعداً حرف « **لام** » دوم متحرک تلفظ میشود.

مد عارض سکون :

مد عارض در حالت وقف به وجود میاید ؛ وقتیکه بعد از حرف مدی « **آ - وَ - يَ** » ، حرف ساکن واقع شود که البته سکون در آن بخاطر وقف کردن باشد ، در آن حالت مد عارض سکون واقع میشود.

مثلاً : - **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)** **سوره ۱: الفاتحة :** در « **الْعَالَمِينَ** » حرف « **يا** » از جمله حرف مدی است و حرف بعد آن « **نون** » که حرکت « **زیر** » دارد و ساکن ساخته شده است. بناً در این حالت مد « **يَا** » باید به اندازه « دو، چهار و یا شش » حرکت، به شکل اختیاری کش داده شود.

– مد لین :

مدی لین ؛ در دو حرف مدی هریک: « و - ی » ، در صورتیکه ساکن باشد و یا بخاطر وقف ساکن ساخته شوند و همچنان حرف ما قبل از آن زبر « پیش » داشته باشد، واقع میشود.

مثلاً : لِیْلَافٍ قُرْیْشٍ (۱) سوره « ۱۰۶ : قریش » : در « قُرْیْشٍ » حرف مدی « یأ » ساکن است و حرف قبل آن « راء » زبر دارد که در این حالت مد لین واقع شده و باید به اندازه « دو ، چهار و یا شش » حرکت ، به شکل اختیاری کش داده شود.

مد در حروف مقطعه « مُقَطَّعات » :

حروف مقطعه یا « مُقَطَّعات » که بنام حروف « نورانی » نیز یاد میشوند؛ جهاده حرف الفبای زبان عربی هریک : « الف - حآ - رآ - طآ - هآ - یآ - سین - صاد - قاف - کاف - لام - میم - نون - عین » میباشد که در ابتدائی « بیست و نه » سوره قرآن کریم آمده و استثنأً با علامت « مد » بشکل « جدا ، جدا » خوانده و « مد » کش داده میشود .

قابل تذکر است که : حروف مقطعه بشکل « یک حرفی ، دو حرفی و سه حرفی » تقسیم شده و به ترتیب ذیل مد میگردد . مثلاً :

۱- حرف « الف » : بشکل عادی ؛ به اندازه یک حرکت کش داده میشود.

۲- حرف « حآ - رآ - طآ - هآ - یآ » : دو حرفی است ؛ که هر کدام به اندازه « دو ، دو » حرکت بشکل مد طبیعی ؛ کش داده میشود . مثلاً :

– طه (۱) در سوره ۲۰ : طه : متشکل از دو حرف « طآ ، هآ » یعنی دو حرفی است و هر کدام به اندازه « دو ، دو » حرکت ؛ مجموعاً « چهار » حرکت کش داده میشود .
– ص وَالْقُرْآنِ ذِی الذِّکْرِ (۱) در سوره ۳۸ : ص : متشکل از سه حرف « صاد ، الف ، دال » یعنی سه حرفی است و هر کدام به اندازه « دو ، دو » حرکت ، مجموعاً « شش » حرکت کش داده میشود .

۳- حروف « سین - صاد - قاف - کاف - لام - میم - نون » : سه حرفی است ؛ که به اندازه « شش ، شش » حرکت ، بشکل مد لازم کش داده میشود . مثلاً :

– حم (۱) در سوره ۴۰ : غافر : « حا » متشکل از دو حرف « ح - ا » یعنی دو حرکت و همچنان حرف « میم » متشکل از سه حرف « م - ی - م » هر کدام « دو ، دو ، دو » حرکت ؛ مجموعاً « شش » حرکت ، کش داده میشود .

– « المص » (۱) سوره ۷ : الأعراف : حروف مقطعه « المص » : از حروف « الف ، لام ، میم ، صاد » تشکیل شده که به ترتیب ذیل ، بشکل جداگانه « مد » میشود :
– « الف » از یک حرف تشکیل شده ، بناً مجموعاً « یک » حرکت کش داده شود .

– « لام » از سه حرف « ل - ا - م » تشکیل شده ؛ بناً « دو ، دو حرکت » مجموعاً « شش » حرکت کش داده شود.

- «میم» از سه حرف «م - ی - م» تشکیل شده؛ بنأ «دو، دو، دو» حرکت مجموعاً «شش» حرکت کش داده شود.

- «صاد» از سه حرف «ص - ا - د» تشکیل شده؛ بنأ هر کدام «دو، دو، دو» حرکت، مجموعاً «شش» حرکت کش داده شود.

۴- حرف «عَيْن» چون «یا» ساکن است و قبل آن حرف «عین» زیر دارد، بنأ در جمله حروف مد عارض لاین بشمار رفته و در اینجا بشکل اختیاری به اندازه «دو، چهار و یا شش» حرکت، کش داده میشود.

معلومات در مورد حروف مقطعه «مُقَطَّعات»

شماره	حروف مقطعه	تلفظ	سوره
۱	اَمْ	الف، لام، میم	«البقره»، «آل عمران»، «العنکبوت»، «الروم»، «لقمان»، «السجده»
۲	اَمْصَ	الف، لام، میم، صاد	«الاعراف»
۳	اَلْرَّ	الف، لام، را	«یونس»، «هود»، «یوسف»، «ابراهیم»، «الحجر»
۴	اَلْمَرَّ	الف، لام، میم، را	«الرعد»
۵	كَهَيْعَصَ	کاف، ها، یا، عین، صاد	«مریم»
۶	طه	طا، ها	«طه»
۷	طَسَمَ	طا، سین، میم	«الشعراء»، «القصص»
۸	طَسَنَ	طا، سین	«النمل»
۹	يَسَ	یا، سین	«یس»
۱۰	صَّ	صاد	ص
۱۱	حَمَّ	حا، میم	«غافر»، «فصلت»، «الزخرف»، «الدخان»، «الجاثیه»، «الاحقاف»
۱۲	حَمَّ عَسَقَ	حا، میم، عین، سین، قاف	«الشوری»
۱۳	قَ	قاف	«ق»
۱۴	نَ	نون	«القلم»

فصل هفتم

قوانین « الف وصل » و « همزه وصل »

در چهار حروف ناخوانا « والی »

در زبان عربی ، چهار حرف الفبای هر کدام : « ا - ل - و - ی » که بنام « والی » و یا حروف « ناخوانا » نیز یاد میشود؛ اگر هیچ حرکت یا علامت بالایش نباشد ، بشکل مطلق خوانده نمیشود، ولی نوشته میشود.

حروف ناخوانا « والی »

در زبان عربی ، چهار حرف الفبای هر کدام : « ا - ل - و - ی » که بنام « والی » و یا حروف « ناخوانا » نیز یاد میشود؛ اگر هیچ حرکت یا علامت بالایش نباشد ، بشکل مطلق خوانده نمیشود، ولی نوشته میشود .

« ا - ل - و - ی »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- الف « أ » : از جمله چهار حروف ناخوانا « والی » است ، که بعضی اوقات علامت « ص » و یا علامت صفر « ه » بالایش قرار میگیرد و در صورتیکه در « وسط و یا اخیر کلمه » واقع شود، بشکل مطلق خوانده نمیشود.

ولی اگر حرف الف در « اول کلمه » قبل از حرف « ل » و یا سایر حروف الفبا قرار گرفت ، در آن وقت برای تلفظ « الف »؛ حرکت « فَتْحَه ، كَسْرَه یا ضَمَّه » با در نظر داشت قاعده خاص ، داده میشود.

- الف صفر دار: الف که بالای آن نشان « صفر » باشد، خوانده نمیشود که اکثراً در اخیر کلمه میاید.

الف صفر دار

الف صفر دار: الف که بالای آن نشان « صفر » باشد ، خوانده نمیشود که اکثراً در اخیر کلمه میاید .

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- **الف وصل « ص »**: الف که بالای آن حرف « ص » باشد به ترتیب ذیل قابل خواندن و یا تلفظ است:

۱- **اگر الف وصل:** در « **ابتدا یک کلمه** » و قبل از حرف لام « ل » قرار گیرد ، در آن صورت با اضافه کردن حرکت « **فَتْحَه** » ، حرف الف خوانده میشود. مثلاً در سوره مبارکه الفاتحة: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳)** .

الف وصل « ص »

اگر الف وصل: در ابتدا یک کلمه و قبل از حرف « ل » قرار گیرد ؛ در آن صورت با اضافه کردن حرکت « فتحه » ، خوانده میشود .
مثلاً « **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** » .

الْحَمْدُ	الْحَمْدُ
الَّذِينَ	الَّذِينَ
الْحَجَرَ	الْحَجَرَ

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

۲- اگر الف وصل: در « مابین کلمه » قبل از حرف « ل » در یک کلمه قرار گیرد؛ در آن حالت به هیچ صورت « الف وصل » خوانده نمیشود.

مثلاً در سوره مبارکه الفاتحة: **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)**

الف وصل « ص »

اگر الف وصل : در « مابین کلمه » ؛ قبل از حرف « ل » در یک کلمه قرار گیرد ؛ در آن حالت به هیچ صورت « الف وصل » خوانده نمیشود .
مثلاً « والعصر » .

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

۳- اگر الف وصل: بدون حرف « ل » ، به حروف دیگری « الفبای عربی » در « ابتدا کلمه » قرا داشته باشد ، در آن صورت قاعده ذیل باید صورت گیرد:

- اگر در ابتدا کلمه حرف « الف » بدون حرف « لام » ، به یکی از حرف « ساکن » قرار داشت در آن صورت برای حرکت دادن و خواندن « الف » باید به حرف بعدی آن که « حرف سوم » کلمه است و حرکت دارد ، به ترتیب ذیل مراجعه شود.

۱- اگر حرف سوم: حرکت « کَسْرَه » داشت ، برای خواندن « الف وصل » ، حرکت « کَسْرَه » داده شده و خوانده میشود.
مثلاً در سوره مبارکه الفاتحة: **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶)**.

۲- اگر حرف سوم: حرکت « ضَمَّة » داشت ، برای خواندن « الف وصل » ، حرکت « ضَمَّة » داده شده و خوانده میشود.

۳- اگر حرف سوم: حرکت « فَتْحَه » داشت ، در این حالت برای خواندن « الف وصل » ، حرکت « فَتْحَه » داده نمیشود ، چون حرکت « فَتْحَه » در حالتی بود که حرف « الف » قبل از حرف « ل » قرار داشت. بناً در این حالت باز هم برای خواندن حرف « الف » ، حرکت « کَسْرَه » داده میشود.

۲- قواعد در مورد سه حرف « و - ل - ی » ناخوانا « والی »:

اگر بالای سه حرف ناخوانا هر یک: « و - ل - ی » هیچ علامت وجود نداشته باشد، خوانده نمیشود به مثل اینکه اصلاً وجود ندارد.

۳- قواعد همزه « ء » در سه حرف « و - ا - ی » ناخوانا « والی »:

همزه حروفی است که گاهی به صورت اصلی « ء » و بدون پایه همزه و گاه بالای یکی از حروف ناخوانا به شکل (ا - و - ی) نوشته میشود که در این صورت تنها « همزه » خوانده میشود و حروفی که پایه همزه قرار گرفته، خوانده نمیشود. مثلاً: قواعد همزه، در سه جدول ذیل:

قواعد همزه « ء » در سه حرف ناخوانا « و - ا - ی »											
همزه حروفی است که گاهی به صورت اصلی « ء » و بدون پایه همزه و گاه بالای یکی از حروف ناخوانا به شکل (ا - و - ی) نوشته میشود که در این صورت تنها « همزه » خوانده میشود و حروفی که پایه همزه قرار گرفته، خوانده نمیشود.											
<table border="1"> <tr><td>يُنشئُ</td></tr> <tr><td>يَسْتَهزئُ</td></tr> <tr><td>تَبَوئُ</td></tr> </table>	يُنشئُ	يَسْتَهزئُ	تَبَوئُ	<table border="1"> <tr><td>سَأَلُ</td></tr> <tr><td>تَأْكُلُونَ</td></tr> <tr><td>كَأَسَا</td></tr> </table>	سَأَلُ	تَأْكُلُونَ	كَأَسَا	<table border="1"> <tr><td>فَوَآءُ</td></tr> <tr><td>يُؤَاخِذُكُمْ</td></tr> <tr><td>لُؤْلُؤُ</td></tr> </table>	فَوَآءُ	يُؤَاخِذُكُمْ	لُؤْلُؤُ
يُنشئُ											
يَسْتَهزئُ											
تَبَوئُ											
سَأَلُ											
تَأْكُلُونَ											
كَأَسَا											
فَوَآءُ											
يُؤَاخِذُكُمْ											
لُؤْلُؤُ											
تهیه و ترتیب کننده: ب « سعیدی »											

- بعضی از علمای علم تجوید به این نظر هستند که « الف » از فضای دهان خارج شده، تکیه گاهی ندارد و مجرد صوت و قائم به غیر است. از جانب هم چون « الف » ساکن میباشد و بشکل تنهایی اداء نمیشود، بناً در جمله اعداد حروف به شمار نمی آید.

- « الف » هیچ گاه در ابتدای کلمات قرار نمیگیرد. بناً « الف » که در ابتدای کلمات قرار داده میشود، « همزه » است نه « الف »؛ به این اساس حرف اول الفبای زبان عربی « همزه » میباشد.

- « الف » حرکت را نمی پذیرد و همیشه ساکن میباشد. مثلاً: « انسان - دار - بازار ».

- حرف « الف » در زبان عربی از حروف ناخوانا و ساکن است و هرگاه متحرک شود آن را « همزه » میگویند.

- « همزه » به شکل « ء » بوده ، اکثراً بالای سه حرف « ا - و - ی » گذاشته میشود. مثلاً: « **أُولَئِكَ - إِنْ يَشَأْ - لُوَلُّوْا - شَيْئًا** » و بعضاً به تنهایی « **ءَأَنْذَرْتَهُمْ** » نوشته میشود.

- همزه در « ابتدا ، وسط و آخر » قرار میگیرد. مانند: « **أَذْهَبُ - سَأَلَ - قَرَأَ** » .

- همزه حرکات سه گانه « **فَتْحَه ، كَسْرَه و ضَمَّه** » را می پذیرد. مثلاً: « **إِبْرَاهِيم - أَكْتُب - أَكْرَمَ - الشَّيْءَ** » .

همزه به دو شکل یعنی « همزه ء وصل و همزه قطع » میباشد:

- همزه ء وصل: بخاطر وصل کردن دو کلمه، از وسط آنها حذف میگردد.
مثلاً: « **رَبِّ الْعَالَمِينَ** ».

- همزه قطع: در وسط دو کلمه واقع میشود و حذف نميگردد. مثلاً: « **فَلَا أُقْسِمُ** ».

همزه مفتوحی چیست؟

- که قبل از آن الف باشد؛ همه آن را به صورت « **ئ** » نوشته میشود.
مثلاً: « **قِرَائَت، دِنَائَت، بَرَائَت** ».

- که قبل از آن حرفی با ضَمَّه آمده باشد؛ بر پایه « **واو** » نوشته میشود.
مثلاً: « **مُؤَدِّب، مُؤَخَّر، مُؤَلَّف** » .

- که قبل از آن حرفی با فَتْحَه آمده باشد؛ بر پایه « **الف** » نوشته میشود.
مثلاً: « **مُتَأَخَّر، مُسْتَأْصَل** ».

فصل هشتم

حروف حلقی

در الفبای زبان عربی ، برای شش حروف هر کدام : « همزه ، هاء ، عین ، حاء ، غین ، خاء » حروف حلقی میگویند که از مخرج « حلق یا گلو » اداء ، تلفظ و یا اظهار میشوند.

حرف حلقی شش بود ای با وفا
همزه ها و عین و حا و غین و خا

حروف حلقی

در الفبای زبان عربی ؛ برای شش حروف هر کدام : « همزه ، هاء ، عین ، حاء ، غین ، خاء » حروف حلقی میگویند که از مخرج « حلق » اداء ، تلفظ و یا اظهار میشوند.

ع - ه - ع - ح - غ - خ

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- مخرج حروف حلقی « گلو » : دو حرف « همزه و هاء » از « انتهای حلق یا گلو » ، دو حرف « عین و حاء » از « وسط حلق یا گلو » و دو حرف « غین و خاء » از « نزدیک دهن و یا بالای حلق یا گلو » ادا و یا تلفظ میگردد.

- در قاعده اظهار:

اگر نون « ساکن » قبل از حروف حلقی واقع گردد ، درآین صورت حرف « نون » بدون کدام تغییر و کشش ، بلکه بشکل طبیعی ، از مخرج خود اداء یا تلفظ شده و همچنان نه صدای حرف « نون » از بینی خارج میشود و نه هم « غنه » میگردد.

مثلاً : « مِنْهُمْ - أَنْعَمْتَ - حَكِيمٌ خَبِيرٌ » .

فصل نهم

حروف قطب جد « قلقله »

قلقله به معنی اضطراب، بیقراری، تکان خوردن و یا هم لرزیدن است و در علم تجوید عبارت از حرکت مختصر حروف ساکن میباشد. و یا تکان دادن مخرج حرف ساکن در حین اداء کردن، را گویند.

حروف قطب جد « قلقله »

هر زمانیکه پنج حرف الفبای هریک: « قاف - طآ - با - جیم - دال » که جمع آن بنام « قطب جد » یاد میشود، ساکن باشند و یا برای وقف ساکن ساخته شوند، در آن وقت مقداری در مخرج آن « لرزه ، تکان و یا جنبش » ایجاد شده ، یعنی « قلقله » شده تا حرف بشکل درست از مخرج آن اداء و تلفظ شود.

« ق - ط - ب - ج - د »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- هر زمانیکه پنج حرف الفبای هریک: « قاف - طآ - با - جیم - دال » که جمع آن بنام « قطب جد » یاد میشود، ساکن باشند و یا برای وقف ساکن ساخته شوند، در آن وقت مقداری در مخرج آن « لرزه ، تکان و یا جنبش » ایجاد شده ، یعنی « قلقله » شده تا حرف بشکل درست از مخرج آن اداء و تلفظ شود. بگونه مثلاً:

- حرف « د » یا « دال » در سوره ۱۱۲: الإخلاص:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴) » .

در صورتیکه حرف « د » یا « دال » که در آخر هر چهار ایه مبارکه قرار دارد و از جمله پنج حرف قطب جد است ، ساکن ساخته شود در آن وقت صدا در مخرج میلرزد و قلقله میشود.

البته کوشش شود که در وقت قلقله ، به حرف « دال » حرکت « فَتْحَه ، كَسْرَه و ضَمَّه » داده نشود بلکه ساکن با مقداری « لرزه ، تکان و یا جنبش » تلفظ شود تا به حرف « ت » یا « تا » تبدیل نشود. همچنان باید تذکر داد که : اگر حرف « دال » ساکن ساخته نشود و با ایه بعدی وصل شود؛ در آن صورت، قلقله نمیشود.

- حرف «ب» یا «بأ» در سوره ۱۱۱: المسد :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: « تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱) مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲) سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳) وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴) فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۵) ».

اگر حرف «ب» یا «بأ» که در آخر چهار ایه مبارکه قرار دارد و از جمله پنج حرف قطب جد است، ساکن ساخته شود در آن وقت صدا درمخرج میلرزد وقلقله میشود.

البته کوشش شود که در وقت قلقله، به حرف «بأ» حرکت «فَتْحَه، كَسْرَه و ضَمَّه» داده نشود بلکه ساکن با مقداری «لرزه، تکان و یا جنبش» تلفظ شود تا به حرف «پ» الفبای زبان دری، تبدیل نشود.

همچنان در «سوره البقره، ایه ۲۵،»: «..... رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵)»

در «رُزِقْنَا» حرف «قاف» و در «مِنْ قَبْلُ» حرف «با» ساکن بوده، چون این دو حرف مربوط به حروف «قطب جد» است، باید در مخرج آن قلقله صورت گیرد.

قلقله: به سه شکل «قلقله کبری، قلقله وسطی و قلقله صغری» است و در آخر کلمه یا وسط کلمه قرار میگیرد. «۱».

- قلقله کبری «اکبر»: موقوف علیه مشدد، یعنی هرگاه یکی از حروف قلقله در آخر کلمه واقع شود و بالای آن وقف صورت گیرد، مشروط بر اینکه حرف مذکور مشدد باشد، آنجا قلقله کبری صورت می گیرد. مانند: «الحق، الحج، وتب».

- قلقله وسطی «کبیر»: موقوف علیه مخفف، یعنی هرگاه یکی از حروف قلقله در آخر کلمه واقع شود، درحالیکه ساکن باشد یا بر اثر وقف حرکت آن حذف شود، آنجا قلقله وسطی صورت می گیرد. مانند: «علق، کسب، حسد».

- قلقله صغری: موصول علیه ساکن، یعنی هرگاه یکی از حروف قلقله در وسط کلمه قرار گیرد، مشروط بر اینکه ساکن باشد؛ آنجا قلقله صغری صورت می گیرد. مانند: «یدخلون، قبل، نقعا».

۱- فصل هشتم، صفحه «۳۴» کتاب «حق تلاوت» محترم استاد نصرت الله «صاحبی».

فصل دهم حروف یرملون

حروف یرملون

در صورتیکه شش حروف الفبای زبان عربی هریک :

« ی - ر - م - ل - و - ن »
« یا - راء - میم - لام - واو - نون »

که در یک کلمه بنام « یرملون » یاد میشوند ، بعد از تنوین یا نون ساکن قرار گیرد ، در آن حالت نون ساکن و یا تنوین در حروف یرملون ، ادغام « با عُنْه » و یا ادغام « بدون عُنْه » میشود .

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

در صورتیکه شش حروف الفبای زبان عربی هریک: « ی - ر - م - ل - و - ن » که در یک کلمه بنام « یرملون » یاد میشوند ، بعد از تنوین و یا نون ساکن قرار گیرد ، در آن حالت نون ساکن و یا تنوین ، درحروف یرملون ادغام میشود. مثلاً :

- « أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵) سورة ۲: البقرة » : نون ساکن « مِّن رَّبِّهِمْ » تبدیل به حرف « راء » شده و حرف « راء » « دو بار تلفظ شود .

- « وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ (۸) در سورة: البقرة » : « مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ » ، حرف « نون » ساکن تبدیل به حرف « یاء » شده و « یاء » که از جمله حروف « یرملون » است ، مشدد پیدا کرده و به دو « یاء » بشکل ذیل: « مَيِّقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ » تبدیل و تلفظ میشود .

- « ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲) سورة ۲: البقرة » : تنوین حرف « د » که حرف « نون » ساکن است ، به حرف « ل » تبدیل میشود به این حالت سه « ل » تشکیل شده و « هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ » تلفظ میشود .

- هر گاه بعد از تنوین یا نون ساکن یکی از حروف ششگانه « یرملون » قرار گیرد ، در این حالت نون ساکن یا تنوین در همان حرف ، به دو شکل: ادغام « با عُنْه » و ادغام « بدون عُنْه » صورت میگیرد: توضیحات در « فصل شانزدهم ، قاعده ادغام » .

فصل یازدهم

وقف « توقف » و علامات در قرآن کریم

وقف در اصطلاح ادبیات بمعنی ایستادن ، حرکت نکردن و توقف کردن است و در علم تجوید ؛ عبارت است از قطع کردن صوت « صدا - آواز » در هنگام قرائت برای تازه کردن نفس و بخاطر ادامه قرائت بشکل « وقف اضطراری » و یا « وقف اختیاری » میباشد.

باید تذکر داد که: اگر در آخر کلمه حروف « آ - ای - او » حرکت « فَتْحَه ، كَسْرَه و ضَمَّة و یا تنوین ، ، ، / - » قرار گیرد؛ در آن صورت حرکت پیدا نکرده، بلکه ساکن تلفظ میشود و همچنان اگر بالای اخیر کلمه تنوین «نون» باشد، در آن صورت به صدای «آ» تلفظ میشود.

وقف « توقف »

وقف در اصطلاح ادبیات بمعنی ایستادن ، اندکی درنگ کردن و توقف کردن است و در علم قرائت؛ عبارت است از قطع کردن « صدا - آواز » در هنگام قرائت برای تازه کردن نفس و بخاطر ادامه قرائت میباشد.

و - س - س - و = و

آ ای او

مثلاً: اگر در آخر حروف « آ - ای - او » حرکت فَتْحَه ، كَسْرَه و ضَمَّة و یا تنوین ، ، ، / - » قرار گیرد؛ در آن صورت حرکت پیدا نکرده ، بلکه ساکن تلفظ میشود

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

علامات در قرآن کریم

وقف و وصل یکی از ضروریات تلاوت قرآن مجید است و در صورت عدم توجه به این اصل، معنی آیات تغییر میخورد و همچنان باید تذکر داد که در قرآن مجید ، علامی وجود دارد که هر کدام « معنی و مفهوم خاصی » دارد. باید خاطر نشان ساخت که :

کسی که معنی قرآن را نمی فهمد ، بر همان مکانهایی وقف کند که در مصحف قرآن مجید ، علامتگذاری شده است.

بدون ضرورت در آنها وقف نکند ، البته در میان آنها « قبل از رسیدن به علامت » نفس قطع شود ، انگاه ناچار و اگر احیاناً بنا بر ناچاری وقف کرد ، باید همان کلمه را که بر آن وقف کرده است یا حتی از آن هم بالاتر اعاده کرده با کلمه وصل کند...

۱- علامت « صلی » :

وصل کردن ، صلاح است و یا وصل کردن؛ اولی « حق » است و یا وصل کردن بهتر از وقف است. مثلاً :

- أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵) سورة ۲: البقرة :

بعد از کلمه « رَبِّهِمْ^ط » ، علامت « صلی » آمده ، ما میتوانیم که وقف کنیم ، ولی ؛ اگر بدون توقف به خواندن ادامه داده شود ، بهتر است.

۲- علامت « قلی » :

وقف کردن؛ لازم و یا بهتر است و یا وقف کردن « حق » است. مثلاً :

- وَإِذَا قِيلَ لَهُم آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ (۱۳) « سورة ۲: البقرة » .

در آخر کلمه « السُّفَهَاءُ^ط » چون علامت « قلی » آمده ، باید وقف کرده و بعداً به خواندن و یا قرائت ادامه داده شود .

۳- حرف « ج » وقف جاز است :

در وقف جاز و یا جواز طرفین ؛ برای قرائت کننده اجازه است که با دیدن این علامت ، وقف کند و یا هم میتوان وصل نماید. مثلاً:

- فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ ۗ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳) « سورة ۱۱۰: النصر ».

در آخر کلمه « وَاسْتَغْفِرْهُ^ع » علامت « ج » آمده در آنجا بشکل اختیاری میتوان وقف کرد و یا هم به خواندن یا قرائت ادامه داد.

۴- علامت « لا » وقف ممنوع است :

وقف ممنوع است و یا نباید وقف کرد ؛ صرف در صورت ضرورت. اگر از روی ضرورت در این محل وقف شود، باید از محل مناسب ما قبل آن به قرائت ادامه داده شود.

مثلاً : الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ ۚ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

(۳۲) سورة ۱۶: النحل : در آخر کلمه « طَيِّبِينَ^ل » ، علامت « لا » آمده ، در آنجا نباید وقف کرد بلکه به قرائت یا خواندن ادامه داده شود.

۵- علامت «س» سکته :

علامت «س» بمعنی سکته است . یعنی در قرائت وقف نمیشود، بلکه تنفس در آن به اندازه دو حرکت ، نگاه شده و بعداً به قرائت ادامه داده میشود .
مثلاً : **كَلَّا بَلِّ رَانَ عَلٰی قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ (۱۴) «سوره ۸۳ : المطففين»**.
در آخر کلمه «كَلَّا» ، حرف «سین» کوچک قرار گرفته است ، در این حالت باید در کلمه «كَلَّا» ؛ به اندازه دو حرکت ؛ سکته شود و بعداً کلمه «بَلِّ» خوانده شود.

۶- علامت «م» نیمه :

این علامت بیان کننده وقف الزامی است . «اگر به وصل خوانده شود، بیم تغییر معنی می‌رود» . مثلاً:
فَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (۷۶) سوره ۳۶ : یس .
در کلمه «قَوْلُهُمْ» بعد از حرف «میم» ، علامت «میم نیمه» آمده که باید در آنجا وقف و یا نفس کوتاه گرفت و بعداً از کلمه «إِنَّا» ، بخواندن شروع کرد.

۷- علامت «م» کوچک :

در قاعده «اقلاب» ؛ هرگاه بعد از نون ساکن و یا تنوین حرف «بآ» بیاید ، در آن صورت حرف «نون» به حرف «میم» تبدیل میشود که این علامت در اکثر مُصَحَّفِ قران کریم ، مدنظر گرفته شده است . مثلاً :

- إِذْأُنْبِغَتْ أَشْقَاهَا (۱۲) «سوره ۹۱ : شمس» :

مثلاً : در کلمه «إِذْأُنْبِغَتْ» بالای حرف «نون ساکن» علامت «میم کوچک» آمده ، به اساس قاعده اقلاب چون بعد از نون ساکن حرف «بآ» آمده بناً حرف «نون» تبدیل به حرف «میم» میشود.

۸- علامت «ا» الف کوچک :

هر زمانیکه «الف» کوچک بالای یک حرف قرار گرفت، باید آن حرف به مثل حرف اصل «الف» ؛ به اندازه «دو حرکت» کش داده شود.
مثلاً : **- بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (۱) سوره ۱ : الفاتحة :**
در کلمه «الرَّحْمٰنِ» بالای حرف «میم» ، علامت «الف کوچک» گذاشته شده است، در این حالت حرف «میم» به اندازه دو حرکت کش داده شود و بعداً حرف «نون» خوانده شود.

۹- علامت ص «وقف مرخصت» :

این علامت بیان میکند که در آیات طولانی چون امکان کم آوردن نفس وجود دارد ، بناً اجازه است تا توقف کرده و دوباره از جای مناسب به قرائت ادامه داده شود.

۱۰- علامت قف «توقف و یا وقف مطلق» :

باید توقف شود و اگر امکان نداشت، اجازه است که ادامه داده شود .

۱۱- علامت « ز » وقف مجوّز:

این علامت بیان میکند که وقف جایز است. ولی اگر وصل شود، بهتر خواهد بود.

۱۲- علامت ق « وقف »:

باید وقف شود، اگر وصل هم شود کدام مشکل نیست. مثلاً: **أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ** وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵) «سوره ۲: البقرة»

۱۳- علامت ع « رکوع »:

علامت « عین » نشان دهنده آن است که قسمت اول و یا حصه اول به پایان میرسد و حصه بعدی شروع میشود. مثلاً: در صورتیکه در جریان نماز باشد، و به این ایه تلاوت رسیدید، قبل از اینکه ادامه داده شود، باید رکوع کرد.

۱۴- علامت ط « وقف مطلق »:

این علامت نشان دهنده آن است که جمله ختم شد، ولی مطلب ادامه دارد، بهتر است که وقف شود بخاطر اینکه موضوع بحث تمام شده است.

۱۵- علامت مد « آ »:

بمعنی کشیدن، دراز کردن و یا طولانی کردن یا امتداد صوت « آواز » در حروف مدی « آ - و - ی » میباشد. مثلاً:

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا « ۳۰ » سوره ۷۶: الإنسان .
در کلمه « تَشَاءُونَ » بالای حرف « الف » مد واقع شده، و باید حرف « الف » حداقل به اندازه دو حرکت کش داده شود.

۱۶- علامت * « ربع »:

تمام قرآن کریم به سی پاره یا جز تقسیم شده و هر جز به چهار ربع تقسیم شده و هربخش آن یک ربع میباشد. هر وقتیکه یک ربع خلاص میشود، آخیر آیه به این علامت، نشانی میشود.

مثلاً: - ﴿ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَافِعٌ إِلَى اللَّهِ لِيَأْتِيَهُ مِنَ الْبُرُوقِ ﴾ (۹) سوره ۱۰۰: العاديات .

همچنان باید خاطر نشان ساخت که: این علامت نشان دهنده آن است که یک ربع از پاره قرآن کریم تکمیل شده و حال ربع جدید آغاز شد. بناً این علامت کدام تغییر در تلاوت به میان نیاورده، فقط یاددهانی ربع میباشد.

۱۷- علامت (: :) وقف معانقه و یا مراقبه:

این علامت بر روی دو کلمه نزدیک به هم قرار میگیرد، نباید روی هر دو محل وقف شود، بلکه فقط در یک محل وقف صورت گیرد.

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى

وقف معانقه یا سه نقطه (:: ::) علایم وقف است و بالای یکی آن میتوان وقف کرد. اگر روی سه نقطه اول وقف صورت گیرد ، در آن صورت نباید بالای سه نقطه دوم وقف کرد.

ضمناً اجازه است که بالای هیچکدام آن توقف صورت نگیرد و با وصل کردن ، از آن گذشت یا عبور کرد.

اما در صورتیکه وقف مینماید؛ بناً بخاطر اینکه معنی کلمه تغیر نخورد ، بهتر است تا بالای سه نقطه دومی، وقف صورت گیرد.

بطور مثال: « ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ » « ایه ۲ ، سوره البقره » .

۱۸- علامت سجده یا سجده تلاوت ﴿ ۱ ﴾ :

سجده تلاوت که بنام سجده عزیمه نیز یاد میشود، در آخر پانزده آیات قران کریم آمده است که به سبب تلاوت ؛ قرآنت کننده ، مکلف به سجده تلاوت میشود.

مثلاً در آیات مبارکه ذیل :

۱- إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿ ۲۰۶ ﴾ .
سوره ۷: الأعراف .

۲- وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿ ۱۵ ﴾ .
سوره ۱۳: الرعد .

۳- يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿ ۵۰ ﴾ سوره ۱۶: النحل

۴- وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿ ۱۰۹ ﴾ سوره ۱۷: الإسراء

۵- أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ﴿ ۵۸ ﴾ سوره ۱۹: مريم

۶- أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿ ۱۸ ﴾ سوره ۲۲: الحج

۷- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعِبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿ ۷۷ ﴾ سوره ۲۲: الحج

٨- وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ﴿٦٠﴾ سورة الفرقان: ٢٥

٩- اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾ سورة النمل: ٢٧

١٠- إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٥﴾ سورة السجدة: ٣٢

١١- قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَىٰ نَعَاجِهِ ۖ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۖ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿٢٤﴾ سورة ص: ٣٨

١٢- فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾ سورة فصلت: ٤١

١٣- فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ﴿٦٢﴾ سورة النجم: ٥٣

١٤- وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾ سورة الانشقاق: ٨٤

١٥- كَلَّا لَا تَطِعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾ سورة العلق: ٩٦

فصل دوازدهم

علامت ساکن « سکون »

ساکن در اصطلاح ادبیات بمعنی « بی حرکت، بی صدا و آرام » و یا عدم حرکت در چیزی است و در علم تجوید عبارت از فقدان حرکت میباشد و به دو شکل، بالای حرف قرار میگیرد.

علامت ساکن « سکون »

ساکن نشان از سکون و بی حرکتی است و بالای هر حرفی که قرار بگیرد نشان دهنده آن است که آن حرف از خود هیچ حرکت نداشته و به تنهای خوانده نمیشود؛ بلکه باید به کمک حرکت حرف « ماقبل » خود، خوانده شود.



تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- ساکن نشان از سکون و بی حرکتی است و بالای هر حرفی که قرار بگیرد بیانگر آن است که آن حرف، از خود هیچ حرکت ندارد.
- ساکن به تنهایی خوانده نمیشود، بلکه باید با کمک حرکت حرف « ماقبل » خود، خوانده شود.
- مثلاً : در « **غَيْرِ الْمَغْضُوبِ** » حرف « یا - لام و غین » علامت ساکن « صفر » دارد که در این حالت حرف « یا » با حرکت فَتْحَهُ حرف « غین » خوانده شود و به همین ترتیب حرف ساکن « لام » با حرکت كَسْرَهُ « راء » و حرف ساکن « غین » با حرکت فَتْحَهُ حرف « میم » خوانده شود.
- اگر بالای پنج حرف قطب جد « **ق - ط - ب - ج - د** » علامت ساکن قرار بگیرد، از مخرج همان حرف، صدا رها شده و کمی لرزش کوتاه « قفله » میشود و در متباقی « 23 » حروف الفبای زبان عربی، صدا قطع میشود.
- هرگاه در یک کلمه دو ساکن پشت سرهم قرار گیرد در آن صورت برای ساکن اول؛ حرکت كَسْرَهُ داده شده و خوانده میشود. مثلاً : « **هُوَ خَيْرٌ اَهْبَطُوا** » حرف تنون نون « راء » ساکن و حرف « الف » هیچ حرکت ندارد از حروف ناخوانا است و حرف « هـ » نیز ساکن است. که به این ترتیب حرف « هـ و ن » دو ساکن میباشد. بناً در این حالت برای حرف تنوین « راء » حرکت كَسْرَهُ داده شده و خوانده میشود.

فصل سیزدهم

علامت تشدید « شدت و یا مشدد »

تشدید : در اصطلاح ادبیات زبان بنام « قوی کردن » است و بالای هر حرف که قرار گیرد، آن حرف باید دوبار « مشدد » تلفظ و یا خوانده شود.

علامت تشدید « شدت و یا مشدد »

تشدید : از « شدت و یا بیشتر شدن » گرفته شده ، معمولاً با علامت « فَتْحَةٌ، كَسْرَةٌ وَضَمَّةٌ » میباشد و بالای هر حرف که قرار بگیرد ؛ آن حرف باید « دوبار » خوانده شود .



تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- تشدید از « شدت و یا بیشتر شدن » گرفته شده ، معمولاً با علامت « فَتْحَةٌ، كَسْرَةٌ وَضَمَّةٌ » میباشد و بالای هر حرف که قرار بگیرد؛ آن حرف باید « دوبار » سخت و به شدت خوانده شود.

- تشدید یک بار با کمک « حرکت ماقبل » و یکبار با « حرکت خود » ؛ خوانده میشود. مثلاً: اصل کلمه « رَبِّبٌ » است. ولی بخاطر زیبایی در مصف قران کریم ، به عوض دو حرف « باء » یک حرف « باء » با علامت تشدید گذاشته میشود. البته حرف اولی ساکن میباشد و حرف دومی حرکت ، دارد. مثلاً: رَبِّ الْعَالَمِينَ « رَبِّبٌ ».

- تشدید اگر در یک کلمه؛ یک حرف دوبار در کنار هم قرار گیرد. مثلاً: « رَبِّبٌ » که اولی « ساکن » و دومی « متحرك » باشد ، در آن صورت حرف اول را کم کرده و بالای حرف دوم علامت تشدید « رَبِّبٌ » گذاشته میشود.

- تشدید نمایندگی از دو حرف مشترک « دو حرف هم شکل و هم مثل » میکند که اولی ساکن و دومی متحرک بوده و حرف اول ساکن به کمک حرکت « ماقبل » خوانده میشود. یعنی: « اولی در دومی، ادغام میشود و یا به عبارت دیگر؛ برای خواندن تشدید از آخرین حرکت ماقبل کمک گرفته شود.

بگونه مثال: در کلمه « رِبِّ » بشکل ذیل « رَبِّبَ » است؛ حرف « بِّ » اول ساکن و حرف « بَ » دوم حرکت فُتْحَهُ دارد. چون حرف « ب » اول ساکن است و هم از جمله پنج حرف « قطب جد » میباشد، بناً در وقت خواندن باید در مخرج آن « قلقله » یعنی تکان داده شود. مثلاً: سوره ۱۱۱: المسد:

« تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱) مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲) سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳) وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴) فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ (۵) ».

- اگر بالای حرف « میم و نون » تشدید باشد با غنه، تلفظ میشود. مثلاً « كُلُّ أَنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ».

- تشدید اگر در ابتداء ایه قرار بگیرد، خوانده نمیشود و صرف حرکت تشدید قابل تلفظ میباشد.

اما در صورتیکه اگر اخیر ایه ماقبل، به شروع ایه وصل گردد؛ در آن وقت تشدید قابل خواندن میباشد.

فصل چهاردهم احکام « نون ساکن و تنوین »

۱- نون ساکن:

- **نون ساکن:** نونی را گویند که حرکت « فَتْحَه ، كَسْرَه و ضَمَّه » یعنی « زبر، زیر و پیش » نداشته و در وسط و یا در آخر « اسم و یا فعل » واقع میشود.

احکام « نون ساکن »

نون ساکن : در « وسط و آخر کلام » می آید و در
 « وصل و وقف » نوشته می شود. مانند :
 « لَاتَفْضُوا - مِنْهُمْ - ءَامِنٌ - يَنْظُرُ إِلَيْكَ - نَقُولُ لَهُ كُنْ » .

نُ - « يَنْنُونُ ، يَنْصَرُونِمْ »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- **نون ساکن:** در لغت « نون » خالی از حرکت را گویند و در اصطلاح تجوید، « نونی » را گویند، که سکونش در حالت « وقف و وصل » و همچنان در « لفظ و در خط » ثابت ، باشد. ولی تنوین فقط در « لفظ » است، نه در « خط » و همچنان نون ساکن ، همیشه « غنه » میشود.

- **نون ساکن :** به شکل « فَمَنْ » نوشته می شود. اما نون تنوین : نوشته نمی شود؛ بلکه بجای آن « دو فَتْحَه ، دو كَسْرَه و دو ضَمَّه » نوشته « گذاشته » می شود.

- **نون ساکن:** در حالت « وقف و وصل » خوانده میشود مانند : « يَنْنُونُ - فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمُنْ - وَ مَنْ قَالَ سَأْزِلُ » اما نون تنوین تنها در حالت « وصل » خوانده میشود مانند : « آ حَدْ » .

- **نون ساکن:** در « اسم ، فعل و حرف » می آید مانند: « **انفسهم يُنصرون** » ، مگر نون تنوین صرف در اسم قرار میگیرد: « **عَذَابٌ** ».

- **نون ساکن:** همیشه در « وسط و آخر » کلمه می آید ، مانند: « **يُنُونُ** » « **فَمَنْ** » اما نون تنوین صرف در « آخر » کلمه می آید . مانند: « **عَذَابٌ** ».

- **نون ساکن:** در مجاورت با هر یک از حروف الفبا که پس از آن واقع شوند، یکی از چهار حکم زیر را پیدا می کند: « ۱- اظهار ۲- ادغام ۳- اقلاب ۴ - اخفاء ».

۲- انواع تنوین:

- تنوین: نون ساکن است که تنها در آخر « اسم » واقع شود، ولی نوشته نمی شود و به عوض آن از علایم « دوزبر ، دوزیر و دو پیش » « **ـَـ** **ـِـ** **ـِـ** » استفاده بعمل میاید .

احکام « تنوین »

تنوین فقط در آخر بعضی از کلمه میاید که خوانده میشود، ولی بشکل « نون » نوشته نمیشود البته در میان کلام تلفظ میشود. اما در حالت وقف، حذف می گردد. مثلاً: « **کتاباً - کتاب - کتاب** »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- تنوین: فقط در آخر بعضی از کلمه میاید که خوانده میشود، ولی بشکل « نون » نوشته نمیشود، البته در میان کلام تلفظ میشود . اما در حالت وقف، حذف میگردد.

باید خاطر نشان ساخت که: تنوین ها ترکیبی از یک حرکت کوتاه و یک « نون » سکون دار میباشند. مثلاً: « **کتاباً - کتاب - کتاب** ».

- **تنوین:** در لفظ از حرف « نون » گرفته شده و یعنی آوردن « ن » به شکل « **دو فَتْحَه** ، **دو کَسْرَه** و یا **دو ضَمّه** » میباشند.

- برای خواندن تنوین ، از علامت حرف قبلی استفاده شده و صدای « نون » ساکن بالایش اضافه میشود. مثلاً: اصل « رَجُلَانِ » بوده و در مصف به شکل ذیل : « رَجُلَانِ » نوشته و خوانده میشود.

- **تنوین:** نون ساکنی است که در آخر برخی از کلمات نوشته میشود ، ولی خوانده نمیشود که به « سه گونه » است:

- **تنوین « نَصْب »:** دو فَتْحَه است که « بالای » حرف قرار میگیرد. مثلاً: « رَجُلَانِ » خوانده میشود و در اصل « رَجُلَانِ » میباشد.

- **تنوین « جَرَّ »:** دو کَسْرَه است که در « زیر » حروف قرار میگیرد. مثلاً: « حُسْرَانِ » خوانده میشود و در اصل « حُسْرَانِ » میباشد.

- **تنوین « رَفْع »:** دو ضَمَّة است که بالای حرف قرار میگیرد. مثلاً: « حَبْلَانِ » خوانده میشود و اصل آن « حَبْلَانِ » میباشد.

احکام « نون ساکن و تنوین » قاعده « اظهار، ادغام، اقلاب و اخفاء »

نون ساکن و تنوین : در حروف حلقی « اظهار » ، در حروف یرملون « ادغام » و در حرف « باء » اقلاب « قلب به میم » و در متباقی حروف الفبای زبان ، اخفاء میگردد.

شماره	قاعده	تعریف	مثال
۱	اظهار	نون ساکن و تنوین: در حروف حلقی « ه - ع - ح - غ - خ » بدون تغیر، اظهار میشود.	مِنْ أَمْرِهِمْ
۲	ادغام	نون ساکن و تنوین: در حروف یرملون « ی - ر - م - ل - و - ن » با غَنَه و بی غَنَه ادغام میگردد.	مَنْ يَشَاءُ
۳	اقلاب	اگر بعد از حرف نون ساکن و یا تنوین ، حرف « با » قرارگیرد، آن حرف ساکن به حرف « میم » تبدیل یا اقلاب میشود. « البته با غَنَه دو حرکت ».	مَنْ بَعْدَ مِيثَاقِهِ
۴	اخفاء	نون ساکن و تنوین: در « پانزده حروف » متباقی الفبای اخفا شده و صدا در بینی کمی کشش پیدا میکند.	إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

حروف قطب جد: « قَا - طَا - بَا - جِيم - دَا » اگر ساکن باشند و یا برای وقف ساکن ساخته شوند، در آن وقت مقداری درمخرج آن میلرزند یعنی « قَلَقَلَه » میشود. مثلاً: « رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ ».

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- نون ساکن و تنوین : در حروف حلقی « اظهار » ، در حروف یرملون « ادغام » و در حرف « ب » اقلاب « قلب به میم » و در متباقی حروف الفبای زبان ، اخفاء میگردد، چنانچه سروده اند:

تنوین و نون ساکنه حکمش بدان ای هوشیار

کز حکم آن زینت بود اندر کلام کردگار

در حرف حلق اظهار کن، در یرملون ادغام کن

در حرف باء قلب به میم ، در مابقی اخفا بیار

- تنوین « ا » : در حالت وقف، تبدیل به « آ » میشود و در حالت وصل ؛ یکی از احکام چهارگانه « ۱- اظهار ۲- ادغام ۳- اقلاب ۴- اخفاء » تطبیق میشود.

یادداشت :

- نون ساکن : اگر در مصف قرآن کریم ؛ حرف نون « ن » علامت سکون « نْ » داشت در آن صورت از مخرج خود با صدای « نون » اظهار میشود و اگر حرف « نون » علامت سکون نداشت ، در آن صورت صدای آن مخفی « اخفا » شده و از مخرج بینی خارج میشود. مثلاً : « **يُنْفِقُونَ** » .

- تنوین : اگر در مصف قرآن کریم ؛ علامت تنوین « اَ » ، هر دو سر بر سر گذاشته شده باشد ، در آن حالت نون ، اظهار میشود و اگر تنوین بشکل جدا و فاصله دار گذاشته شده باشد، در آن حالت تنوین اخفا میشود.

مثلاً : « **مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ** » (۱۷) . سوره البقرة .

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ **جَمِيعًا** ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۹) . سوره البقرة .

فصل پانزدهم

قاعده اظهار

اظهار در اصطلاح ادبیات به معنی « ظاهر کردن، اشکار کردن، پدیدار کردن و بیان کردن » است و در علم تجوید عبارت از اداء و یا تلفظ حرف از مخرج اصلی، آن میباشد.

قاعده اظهار: اگر نون ساکن و یا تنوین قبل از حروف حلقی ششگانه هر کدام: « ه - ع - ح - غ - خ » قرار گیرد، در آن صورت حرف نون ساکن و یا تنوین، بدون تغییر از مخرج اصلی خود اداء و یا تلفظ میگردد.

بطور مثال: « مِنْ أَمْرِهِمْ - مِنْهُمْ - أَنْعَمْتَ - حَكِيمٌ خَبِيرٌ - سَمِيعٌ عَلِيمٌ - حَكِيمٌ حَمِيدٌ ».

قاعده اظهار

اظهار در اصطلاح ادبیات به معنی « ظاهر کردن، اشکار کردن، پدیدار کردن و بیان کردن » است و در علم تجوید عبارت از اداء و یا تلفظ حرف از مخرج اصلی، آن میباشد.

حروف حلقی: « ه - ع - ح - غ - خ »

نون ساکن	تنوین	
مِنْهُمْ	حَرْفِ هَارٍ	ه
مِنْ عَمَلٍ	حَقِيقٌ عَلِيٌّ	ع

تهیه و ترتیب کننده: ب « سعیدی »

- **در قاعده اظهار:** اگر نون ساکن و یا تنوین به حروف حلقی قرار گیرد، در این صورت حرف « نون » بدون کدام تغییری شکل، از مخرج خود اداء و یا تلفظ شده و همچنان نه صدای حرف « نون » از بینی خارج میشود و نه هم « غنه » میگردد.

- **در قاعده اظهار:** نون « ساکن » در یک و یا دو کلمه جداگانه قرار میگیرد، در حالیکه نون ساکن در قاعده ادغام؛ باید در دو کلمه جداگانه باشد.

فصل شانزدهم

قاعده ادغام

قاعده ادغام: ادغام در لغت بمعنی داخل کردن و در اصطلاح علم تجوید؛ هر گاه بعد از نون ساکن و یا تنوین یکی از حروف ادغام واقع شود، در آن وقت نون ساکن و یا تنوین بدون کدام تغییر شکل، در حرف ادغام «یرملون» داخل میشود.

قاعده ادغام

قاعده ادغام: ادغام در لغت بمعنی داخل کردن و در اصطلاح علم تجوید؛ هر گاه بعد از نون ساکن و یا تنوین یکی از حروف ادغام واقع شود، در آن وقت نون ساکن و یا تنوین بدون کدام تغییر شکل، در حرف ادغام «یرملون» داخل میشود.

حروف یرملون: « یاء - راء - میم - لام - واو - نون »

هُدَى لِّلْمُتَّقِينَ - غَفُورٌ رَّحِيمٌ - خُمُرًا لِلشَّارِبِينَ	تنوین
مَنْ يَقُولُ آمَنًا بِاللَّهِ - مَنْ رَبَّهُمْ - مِنْ مَّالِ اللَّهِ	نون ساکن

تهیه و ترتیب کننده: ب « سعیدی »

- حروف ادغام: شش حرف هریک: « ی - ر - م - ل - و - ن » حروف ادغام بوده که بنام « یرملون » نیز یاد میشود.

- قاعده ادغام: هر زمانیکه نون ساکن و یا تنوین، در یک کلمه و حرف « یرملون » در دیگر کلمه قرار گرفت، در آن صورت نون ساکن و یا تنوین تلفظ و یا خوانده نمیشود، بلکه آن حرف نون ساکن، به حرف « یرملون » که در کلمه دوم قرار دارد، تبدیل میگردد.

- شرط قاعده ادغام آن است که « نون ساکن و یا تنوین » در دو کلمه جداگانه قرار گیرد. بطورمثال: **سوره ۲: البقرة: ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲)** « هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ». ضمناً باید تذکر داد که: نون ساکن در این چهار کلمه « دُنْيَا ، بُنْيَان ، قِنْوَان ، صِنْوَان » استثنائی بوده و در این حالت صرف قاعده « اظهار » صورت میگیرد.

- اگر نون ساکن و حرف ادغام در یک کلمه قرار گیرد در آن صورت ادغام نمیگردد.

- اشکال ادغام: هر گاه بعد از تنوین یا نون ساکن ، یکی از حروف ششگانه بنام « یرملون » قرارگیرد ، در این حالت نون ساکن یا تنوین در همان حرف ، به دو شکل ادغام میگردد. مثلاً: **ادغام « با غنه » و ادغام « بدون غنه ».**

- ادغام با غنه: غنه صوتی است که از بینی « خیشوم » بیرون میاید و هر وقت با چهار حرف « ی - و - م - ن » یعنی « یومن » ، بعد از نون ساکن و یا تنوین قرار گیرد ، ادغام « با غنه » صورت میگیرد. مثلاً: **« مَن یِشَاء - مَن مَاء - مَن وُلِی وَ غَیْرَه ».**

البته باید تذکر داد که : ادغام کامل غنه دار برای دو حرف « میم و نون » میباشد و همچنان هنگام ادغام باید « مد » آن به اندازه ی دو حرکت کشیده شود. مثلاً: **« مَن نَفَعِهَمَا - مَن مَاء » .**

- ادغام بدون غنه: دو حرف هریک: « ر - ل » یعنی « لر » ، هرگاه بعد از نون ساکن یا تنوین این دو حرف بیاید در آن صورت ادغام « بدون غنه » واقع میشود که این ادغام را ادغام کامل میگویند. مثلاً: **« مَن لَدْنَا - مَن رَبُّکُمْ - وَیُؤْتِ مَن لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِیْمًا - هُدًی لِّلْمُتَّقِیْنَ ».**

۱- تبدیل تنوین به قاعده ادغام: **هُدًی لِّلْمُتَّقِیْنَ « سوره البقرة ، آیه ۲ ».**

- حرف « هُ » ضَمَّهُ ، حرف « دَّ » تنوین یعنی از دو حرف « د - ن » تشکیل شده ، حرف « ی » از جمله حروف ناخوانا است « خوانده نمیشود » و حرف « لَّ » تشدید « مشدد » یعنی دو حرف « ل - ل » دارد و از حروف « یرملون » است ، که به این ترتیب با هم خوانده میشود.

- حرف « هُ » باید با حرف « دَّ » و حرف « د » با حرف « نون ساکن » به همین ترتیب با حرف « ی » و حرف « ی » باید با حرف « ل » و ... خوانده شود.

در این صورت: چون حرف « ی » حرکت ندارد و از جمله چهار حروف ناخوانا « و ۱- ل - ی » بنام « والی » است ، بناً خوانده نمیشود و حرف « د » باید با تنوین « نون » خوانده شود.

- چون حرکت حرف « لَّ » تشدید دارد و تشدید باید یکبار با حرکت ما قبل خود یعنی حرف « ی » خوانده شود ، چون حرف « ی » حرکت ندارد ، بناً باید با حرف « نون ساکن » خوانده شود.

- از اینکه حرف « د » تنوین « ن » دارد و متعاقباً حرف « ل » آمده ، و حرف « ل » از جمله شش حرف یرملون « ی - ر - م - و - ن » است ؛ در این صورت تنوین « د » حرکت تنوین « نون » خود را از دست داده و تبدیل به حرف یرملون « ل » میشود. مثلاً: **« هُدًی » یعنی « هدن » متشکل از « د » و « ن » میباشد در این حالت حرف « ن » تبدیل به حرف « ل » شده و مکمل آن « هدل » تلفظ و یا خوانده میشود.**

همچنان باید افزود: چون حرف «ل» تشدید دارد یعنی «اولی ساکن و دوم حرکت دارد» به این اساس حرف ساکن تشدید باید یکبار با حرکت ماقبل و یکبار با حرکت خود «ل» خوانده شود.

مثلاً: **سوره ۲: البقرة ایه « ۲ » :**

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲) « هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ » به شکل ذیل است: تنوین «د» که حرف «نون» ساکن است به حرف «ل» تبدیل میشود به این حالت سه «ل» تشکیل میشود. مثلاً: **« هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ »**.

۲- تبدیل نون ساکن به قاعده ادغام:

« مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ، سوره البقرة، ایه ۸ ».

- حرف «م» حرکت فُتْحَه، حرف «ن» ساکن و حرف «یا» حرکت فُتْحَه دارد.

- حرکت حرف «م» باید با حرکت حرف «ن» خوانده شود، چون حرف «ن» حرکت ندارد و ساکن است و ساکن خود با حرکت ماقبل خود خوانده میشود و از جانب هم بعد از آن حرف «یا» آمده و مربوط به حروف «یرملون» است، بناً باید قاعده ادغام صورت گیرد.

- در قاعده یرملون: «نون» ساکن تبدیل به حرف «یا» شده در این حالت باید دو «یا» که اولی ساکن و دومی فُتْحَه دارد، تشکیل شود.

بناً «یا» ساکن به کمک حرکت حرف «میم» و حرف «یا» دوم به حرکت خود، مستقل خوانده شود.

مثلاً: **در سوره ۲: البقرة ایه « ۸ »:**

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (۸)

« مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ »، حرف «نون» ساکن تبدیل به حرف «یا» شده و «یا» که از جمله حروف «یرملون» است، مشدد پیدا کرده و به دو «یا» بشکل ذیل: **« مَيِّقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ »** تبدیل شده و قاعده ادغام صورت میگیرد.

فصل هفدهم

قاعده اقلاب « قلب به میم »

اقلاب « قلب به میم » : در اصطلاح ادبیات تغیر و یا تبدیل کردن را گویند و در علم تجوید عبارت از تبدیل حرف « نون ساکن و نون تنوین » به حرف « میم » است . البته در صورتیکه بعد از آنها حرف « با » قرار داشته باشد.

قاعده اقلاب « قلب به میم »

در قاعده « نون ساکن »: اگر حرف « با » بعد از « نون ساکن » قرار داشته باشد در آن صورت « نون ساکن » به حرف « میم » تبدیل میشود . بطور مثال: **مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ ...** به « **مِم بَعْدِ مِيثَاقِهِ** » تبدیل میشود و قاعده اقلاب صورت میگرد.

نون ساکن	تنوین	
أَنْ بُوْرِكْ	سَمِيعٌ بَصِيْرٌ	ب
مِنْ بَعْدِ	شَهِيدٌ يَتِي	ب
يَوْمِنِ بِاللَّهِ	زَوْجٌ بَهِيْجٌ	ب

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

– اگر بعد از حرف نون ساکن و یا تنوین ، حرف « با » قرار گیرد، آن حرف ساکن به حرف « میم » تبدیل میشود. مثلاً: در زبان ادبیات دری « زنبور » نوشته شده و « زمبور » خوانده میشود.

– در قاعده اقلاب، مخرج « میم » همراهی « با » و مخرج « میم » همراهی « نون » در « غنه » مشترک بوده و همچنان در صورتیکه بعد از نون ساکن و یا تنوین، حرف « ب » بیاید در آن حالت آن حرف به حرف « میم » تبدیل شده و « غنه » میشود. مثلاً:

– **در قاعده « نون ساکن »:** اگر حرف « با » بعد از « نون ساکن » قرار داشته باشد در آن صورت « نون ساکن » به حرف « میم » تبدیل میشود .

بطور مثال : سوره ۹۸ : البینه ایه « ۴ » : « **وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ (۴)** » در « **مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ** »

مِنْ بَعْدٍ ... به « مِمَّ بَعْدٍ » تبدیل میشود و قاعده اقلاب صورت می‌گردد.

- در قاعده « نون تنوین »: أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا ... به « أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا » تبدیل میشود و قاعده اقلاب صورت می‌گردد.

مثلاً: « أَلِيمٌ » به این شکل « أَلِيمِن » است، چون بعد از آن حرف « بَا » قرار دارد باید قاعده اقلاب صورت گیرد که به این ترتیب حرف « نون » به حرف « میم » تبدیل میشود و بشکل دو « میم » با « غنه » دو حرکت، خوانده شود.
مثلاً: « أَلِيمِم ».

- در بعضی از مصحف قرآن کریم؛ علامت « م » کوچک، در بالا و یا پائین نون ساکن و تنوین گذاشته میشود، که هدف از آن انجام دادن قاعده اقلاب میباشد.
مثلاً:

- إِذْ أَنْبَعَتْ أَشْقَاهَا (۱۲) «سوره ۹۱: شمس»

- كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴) «سوره ۱۰۴: الهمزة».

فصل هژدهم

قاعده اخفاء

اخفاء: در اصطلاح ادبیات به معنی «خفیف، پوشاندن و مخفی کردن» است و در اصطلاح علم تجوید؛ پنهان یا اخفاء کردن صدای نون ساکن یا تنوین در مخرج خیشوم «راه تنفسی بینی»، به اندازه «دو حرکت» میباشد.

قاعده اخفاء

هر وقتیکه بعد از نون ساکن یا تنوین، حروف سه قاعده هریک: حروف حلقی «قاعده اظهار»، حروف یرملون «قاعده ادغام» و حرف «بأ» «قاعده اقلاب» قرار نداشته باشد؛ در آن حالت قاعده چهارم بنام «قاعده اخفاء» با متباقی «پانزده حروف» الفبای عربی، صورت میگیرد. مثلاً: «إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

تنوین	نون ساکن	
رِيحًا صَرَّصِرًا	يَنْصُرْكُمْ	ص
قَوْمًا ضَالِّينَ	مَنْ ضَلَّ	ض
حَلَالًا طَيِّبًا	انْطَلِقُوا	ط

تهیه و ترتیب کننده: ب «سعیدی»

- هر وقتیکه بعد از نون ساکن یا تنوین، حروف سه قاعده هریک:

حروف حلقی «قاعده اظهار»، حروف یرملون «قاعده ادغام» و حرف «بأ» «قاعده اقلاب» قرار نداشته باشد؛ در آن حالت قاعده چهارم بنام «قاعده اخفاء» با متباقی «پانزده حروف» الفبای عربی، صورت میگیرد.

- در قاعده اخفاء: نون «ساکن» با مثل قاعده اظهار در یک و یا دو کلمه جداگانه، قرار میگیرد، در حالیکه نون ساکن در قاعده ادغام؛ باید در دو کلمه جداگانه باشد. مثلاً: «مِنْ تَأْوِيلٍ - مِنْ قَالٍ - مَنْ ضَلَّ - أَنْتُمْ - الْمَنْصُورُونَ - مَنْصُودٌ - أَنْفُسَهُمْ - غُلَامًا زَكِيًّا».

– در قاعدهٔ اخفاء : صدای « نون » بدون اینکه از دهن خارج شود ، از مخرج بینی اداء شده و به صدا « نون » در بینی کمی کشش داده شده و متعاقباً حرف بعدی آن تلفظ میشود.

مثلاً : در « **إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ...** آیه (۳۱) سوره ۲ : البقرة » :

چون بعد از حرف نون ساکن ، حرف « کاف » قرار دارد و حرف « کاف » مربوط به قاعدهٔ « اظهار ، ادغام و یا اقلاب » نیست ، در این حالت باید قاعدهٔ چهارم یعنی « اخفاء » صورت گیرد .

یعنی صدای حرف نون ساکن بدون کدام تغییر از مخرج دهن نه ، بلکه از مخرج بینی با صدای کمی کشیده خارج شود .

همچنان باید تذکر داد که : همین قاعدهٔ بعد از حرف « کاف » با نون ساکن و حرف « تاء » نیز قابل اجرا بوده و قاعدهٔ اخفاء صورت میگیرد.

فصل نزدهم

أحكام حرف « ميم » ساكن و مشدد

حرف م « ميم » از جمله بيست و هشت حروف الفبای زبان عربی است ؛ که مخرج آن ما بين « دو لب » بوده که بنام حروف « شفوي، لبي » یاد میشود و داری چهار شکل و یا قاعده ذیل : « غنه ، ادغام ، اخفاء و اظهار » میباشد.

۱- غنه : بردن آواز در بینی و یا صدایی خیشوم را « غنه » گویند ؛ البته در احکام حرف « ميم » هر زمانیکه بالای حرف « ميم » ؛ علامت « مشدد یا تشدید » قرار گرفت ، در آن صورت حرف « ميم » غنه شده و صدای آن از مجرائی بینی خارج شده و به اندازه یک ثانیه کش داده میشود که این قاعده را بنام « غنه » یاد مینمایند.

مثلاً : در سوره ۱۱۱ : المسد ایه ۴ : « وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿۴﴾ .
بالای حرف ميم « حَمَّالَةَ » : علامت « تشدید یا مشدد » با حرکت فتحه « زبر » قرار گرفته باید صدای آن در مخرج خیشوم « بینی » غنه شود ، که معلومات مفصل در فصل بیستم ؛ بیان شده است .

۲- ادغام شفوی : وقتیکه بعد از حرف « ميم » ساکن ؛ حرف « ميم » متحرک در « يك كلمه و یا در دو كلمه » واقع گردد ، در آن وقت ، حرف « ميم متحرك » مشدد شده و قاعده بنام « ادغام شفوی » صورت میگیرد.

مثلاً : سوره ۲ : البقرة ، ایه مبارکه ۱۰ : « فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَّادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿۱۰﴾ .»

توضیح : در « فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ » : چون بعد از حرف « ميم ساکن » ، حرف « ميم متحرك » ، البته در « دو كلمه » واقع شده ، بناً « ميم ساکن » در « ميم متحرك » مشدد شده و صدای « غنه » به اندازه یک ثانیه کش داده شده که این قاعده را بنام « قاعده ادغام لبي » و یا ادغام « متماثلين » نیز میگویند.

۳- إخفاء شفوی : وقتیکه بعد از حرف « ميم » ساکن ، حرف « با » متحرک واقع گردد در آن صورت حرف « ميم » در مخرج لبها « شفتان » بشکل نرم تر تلفظ و غنه میشود ، که این قاعده را بنام « اخفاء شفوی » یاد مینمایند.

مثلاً : سوره ۱۰۵ : الفيل ، ایه ۴ : تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ﴿۴﴾ .

توضیح : در « تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ » : چون حرف « ميم » ساکن بعد از حرف « با » قرار گرفته در این حالت باید « اخفاء شفوی » صورت گیرد . بناً حرف « ميم » باید

به بشکل « تلفظ و غنه » شود که لبها به یک دیگر نمی چسبند بلکه به مقدار خیلی کم باز میماند .

همچنان حرف « میم » تلفظ نمیشود بلکه تنها صدای « غنه » همراه با مقداری مکث بر روی آن اداء میشود و بعداً حرف « با » تلفظ میگردد .

۴- اظهار شفوی: وقتیکه بعد از حرف « میم » ساکن ، به عوض حرف « میم » و با « دیگر حروف الفبای قرار گیرد ، در آن صورت حرف « میم » بشکل طبیعی بدون « کش کردن و غنه کردن » تلفظ میگردد ، که این قاعده را « اظهار شفوی » میگویند .

مثلاً : در سوره ۱: الفاتحه ، ایه مبارکه ۷ : صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۷﴾

توضیح : در « أَنْعَمْتَ » چون بعد از حرف « میم ساکن » حروف « میم و با » نیامده و حرف « تا » واقع شده ، بناً باید در این حالت حرف « میم » به شکل طبیعی از مخرج خود تلفظ یا اظهار گردد که آن را قاعده اظهار « شفوی » نیز میگویند .

- هرگاه بعد از حرف میم ساکن ، خود حرف « میم » تکرار شود ، حرف « میم » اول ، خوانده نخواهد شد و « میم » دوم با شدت تلفظ میشود که به آن ادغام حرف « میم » میگویند . مثلاً : « كَمِ مِنْ » بشکل « كَمَنْ » نوشته و تلفظ می شود .

- در قاعده اقلاب یا « قلب به میم » بیان شد که : اگر بعد از حرف « نون » ساکن و یا تنوین ، حرف « با » قرار گیرد ، آن وقت حرف « با » به حرف « میم » تبدیل شده و قاعده اقلاب صورت میگیرد . اما هر وقتیکه بعد از حرف « میم » ساکن ، حرف « ب » واقع شد در آن وقت به قاعده اخفاء تبدیل میشود .

معلومات اضافی در رابطه به احکام « میم ساکن و مشدد » : « ۱ » .

قاعده ۱ : میم اگر مشدد باشد در آن « غنه » ضروری است مانند : « لَمَّا » و در این حالت آن را حرف « غنه » می نامند ، « غنه » یعنی بردن آواز در بینی .

قاعده ۲ : مقدار غنه یک الف است و آسان ترین طریقه دانستن مقدار الف این است که انگشت بسته ای را باز کنند ، یا انگشت باز را ببندند و این فقط یک تخمین است و دراصل ، معیار شناخت آن بستگی دارد به آموختن از استاد با تجربه .

قاعده ۳ ادغام صغیر مثلین : میم اگر ساکن باشد ، باید دید که حرف بعد از آن چیست؟ اگر بعد از آن میم دیگری باشد ، ادغام می شود یعنی هر دو میم یکی شده و مانند یک میم مشدد در آنها غنه می شود مانند : « إِلَيْكُمْ مَرْسَلُونَ » این را « ادغام صغیر مثلین » می گویند .

– اِخْفای شَفوی : هرگاه بعد از میم ساکن حرف « ب » باشد در آن صورت به همراه غَنّه اخفاء هم می شود و معنی این اخفاء آن است که هنگام ادای آن ، قسمت خشکی هر دولب را با کمال نرمی باهم وصل کرده صفت غَنّه را به قدر یک الف امتداد داده از خیشوم ادا کند ، سپس پیش از جدا شدن لبها قسمت تری هر دولب را با سختی وصل کرده حرف « ب » اداء شود.

مانند : « مَنْ يَعْتَصِمُ بِاللَّهِ » و این را « اخفای شَفوی » می نامند .

هرگاه بعد از میم ساکن غیر از « میم و با » حرفی دیگری بیاید ، میم اظهار می شود ، یعنی از مخرج خود بدون غَنّه ظاهر کرده می شود .
مانند : « انعمت » و این را « اظهار شَفوی » مینامند.

فصل بیستم

غنه

غنه : غنه در لغت « صوت یا آوازی » است که بعد از بستن لب ها ؛ از مخرج خیشوم « بینی » بدون دخالت زبان ، از آن بیرون میشود و صفت آن دو حرف الفبای زبان عربی هریک : « میم و نون » در حالت ساکن و یا متحرک میباشد.

علمای و استادان علم تجوید ؛ درمورد « خیشوم و غنه » چنین فرموده اند:

۱- خیشوم در لغت : « هو خرق المنجذب من اقصى الانف » :

ترجمه : « خیشوم یک رگ باریک است که در قسمت آخری بینی قرار دارد ». البته از خیشوم « غنه » خارج میگردد.

۲- غنه در لغت : « هی صوت آغن شبیه بصوت الغزاة اذا ضاع ولد ها مجهور لطیف لا عمل اللسان فیها ».

ترجمه : « غنه یک صدای گنگ باریک است که مشابهت به صدای آهو دارد . البته این نوع صدا باریک در وقتی است که آهو چوپه خود را از دست میدهد و همچنان قابل تذکر است که « غنه » از خیشوم « بینی » خارج شده و زبان در آن دخالت ندارد.

- غنه : یعنی بردن آواز در بینی و یا صدایی خیشوم را غنه میگویند ، که بعد از بستن لبها در قاعده ادغام یا اخفا ، از خیشوم « بینی » خارج میشود. ضمناً غنه از جمله صفات است که در آن زبان را دخالت نیست.

البته در احکام حرف « میم » هر زمانیکه بالای حرف « میم » ؛ علامت « مشدد یا تشدید » قرار گرفت ، در آن صورت حرف « میم » غنه شده و صدای آن از مجرائی بینی خارج شده و به اندازه یک ثانیه کش داده میشود که این قاعده را بنام « غنه » یاد مینمایند . مثلاً :

- در سوره ۱۱۱ : المسد ایه ۴ : « **وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)** » .

بالای حرف میم « حَمَّالَةَ » : علامت « تشدید یا مشدد » با حرکت فتحه « زبر » قرار گرفته و نشان دهنده دو « میم » بوده که اولی ساکن و دومی حرکت زبر دارد. در این حالت : قاعده آن است که باید حرف « میم » اول که ساکن است ، به کمک حرکت حرف ما قبل یعنی **فَتْحَهُ** « زبر » حرف « حا » خوانده شده و صدای آن در مخرج خیشوم « بینی » غنه ؛ مخفی شده و به اندازه یک ثانیه کش داده شود و بعداً با حرف « میم » دوم ، که حرکت زبر « فَتْحَهُ » دارد ، تلفظ گردد .

- حروف « غنه » : دو حرف « میم و نون » حروفی « غنه » هستند که صدای آن در حالت « قاعده ادغام یا قاعده اخفا » از انتهای خیشوم « بینی » خارج میشود که

عبارت از: « میم ساکن ، نون ساکن و تنوین » بوده و صفت « غنه » در حروف متذکره وقتی شدید تر هستند که مشدد « تشدید » داشته باشند.

باید خاطر نشان ساخت که : اگر بعد از « نون ساکن و تنوین » یکی از حروف حلقی « ۶ - ۵ - ح - خ - ع - غ » بیاید، « غنه » نمیشود.

- اشکال غنه : غنه به دو شکل « غنه انی و غنه زمانی » است که فقط در « میم و نون مشدد و نون اخفا » وجود دارد و به ترتیب ذیل است:

۱- غنه انی : غنه انی عبارت از آن « غنه » است که در هر « نون و میم » ساکن و متحرک ؛ بشکل طبیعی در آن موجود میباشد و البته مقدار خاص نداشته و غیر اختیاری و بدون خواست ، قصد و یا اراده ، اداء میگردد و نیازی به کشش اضافه هم نیست که به همین خاطر آن را بنام « غنه طبیعی » یاد مینمایند. **مثلاً :**

- سوره ۸: الأنفال ، ایه مبارکه ۴۰ : وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿۴۰﴾

در کلمه : « نِعْمَ الْمَوْلَىٰ » و « وَنِعْمَ النَّصِيرُ » دو حرف « نون و میم » به شکل طبیعی وجود دارد و صدا از مخرج خشیوم « آخرینی » بدون « غنه و کشش »؛ تلفظ میشود و همچنان مثال بعدی در سوره ۱۰۵: الفیل ، ایه ۴ : **تَرْمِيهِمْ بِحَجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ﴿۴﴾**.

۲- غنه زمانی « غنه عارضی »: غنه زمانی عبارت از آن غنه است که فقط در « نون و میم » که « مشدد » شده باشد یعنی « مشدد ، اخفا و یا ادغام » باشد . و به این خاطر آن را بنام « غنه عارضی » نیز یاد مینمایند . همچنان:

- غنه زمانی : مقدار خاص دارد ، کشش آن به اندازه « یک الف » است ، با خواست و قصد انجام میگردد و اختیاری نیست؛ البته اگر خواستید « غنه » را انجام دهید و اگر نخواستید « غنه » را انجام ، نمیدهید . **مثلاً :**

- در سوره ۳۴: سبأ ایه مبارکه ۲۵: « قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أُجْرَمْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۲۵﴾ » .

- در سوره ۲: البقرة ، ایه مبارکه ۶: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۶﴾ :

توضیح : در « إِنَّ » نون علامت مشدد دارد که اصل آن « إِنَّ » میباشد : البته نون اولی « ساکن » و نون دومی متحرک و علامت فَتْحَه « زیر » است . به اساس قاعده باید نون ساکن با کمک حرکت ماقبل که حرکت كَسْرَه « زیر » حرف « الف » است ، تلفظ شده و بعد از یک الف « غنه » کردن ؛ نون دوم باید به حرف « لام » ساکن کمک کرده و تلفظ شود. البته این غنه را بنام غنه « صفتی ، عارضی و یا زمانی » نیز یاد مینمایند .

باید خاطر نشان ساخت که: علمای تجوید ، غنّه را در شش حروف یرملون هریک :
« یا - راء - میم - لام - واو - نون » به ترتیب ذیل توضیح کردن اند.
- در چهار حروف یرملون هریک: « یا - میم - واو - نون » ادغام با غنّه بوده
و صدای آن از بینی « خشیوم » خارج شده و با کشش تلفظ میشود .

مثلاً: « یا »: « من یؤمن - قوم یؤمنون » . « میم »: « من مال - درجات من الله » .
« نون »: « من لم یحکم - قوم لا یفقهون » . « واو »: « من ورق - بناءً و أنزل » .

- در دو حروف مطابقی یرملون هریک : « راء - لام » ادغام بدون غنّه بوده و
صدا از بینی « خشیوم » خارج نمیشود و کشش هم ندارد .

مثلاً: ل « لام »: « فان لم - سلام لک » . ر « راء »: « من رزق - أخذة رابیه » .

فصل بیست و یکم قاعده نون قطنی

نون قطنی : قطنی در لغت عبارت از کمری ، واقع در کمر و یا هم در مهره پشت ؛ را گویند و در علم تجوید عبارت است : هر وقتیکه تنوین « ن » بالای یک حرف ، قرار گیرد و کلمه بعدی به حرف الف « همزه وصل » آغاز گردد، در این صورت تنوین همان حرف ؛ به حرکت « فَتْحَه ، كَسْرَه و ضَمَّه » تبدیل شده و همچنان برای « همزه وصل » ، همیشه حرف نون با حرکت كَسْرَه « ن » داده شده و بعداً به حرف بعدی وصل و تلفظ میشود، که این قاعده را « نون قطنی » یاد مینمایند.
مثال و توضیح :

۱- سوره ۲: البقرة ، ایه مبارکه ۱۸۰ :

« كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ » (۱۸۰)

- توضیح :

چون بالای حرف « راء » ، کلمه « خَيْرًا » ؛ تنوین نون یعنی دو فَتْحَه « زبر » واقع شده که اصلاً بشکل ذیل : « خَيْرِنَا » که حرف « راء » زبر و حرف نون ساکن است ، میباشد . از جانب هم بعد از تنوین ؛ در ابتدا کلمه « الْوَصِيَّةَ » حرف الف یا « همزه وصل » قرار دارد ، در این حالت باید قاعده « نون قطنی » به شکل صورت گیرد .

- تنوین حرف راء « خَيْرًا » تبدیل به حرکت « فَتْحَه » میشود و همزه وصل « الْوَصِيَّةَ » تبدیل به حرف « ن » ؛ البته حرف « نون با حرکت كَسْرَه » شده و متعاقباً به حرف « لام » تلفظ میشود .

مثلاً : اصل جمله ایه « خَيْرًا الْوَصِيَّةَ » است که در قاعده « نون قطنی » با تبدیل کردن ، تنوین به حرکت فَتْحَه « زبر » و تبدیل کردن حرف الف به حرف « ن » با حرکت كَسْرَه با حرف « لام » ؛ « خَيْرًا نِلْوَصِيَّةَ » تلفظ و یا خوانده میشود .

- سوره ۱۹ : مریم ، ایه مبارکه ۷ : يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا (۷) .

در کلمه « بِغُلَامٍ اسْمُهُ » حرف میم با تنوین و بعداً حرف همزه و حرف سین ساکن قرار دارد . به اساس قاعده « نون قطنی » باید حرف میم و همزه به « مِنْ » تبدیل و بشکل ذیل : « بِغُلَامٍ مِنْ سَمُهُ » تلفظ شود .

یادداشت : در یکتعداد مصف قران کریم ؛ علامت حرف « ن » که نمایندگی از قاعده « نون قطنی » مینماید ، قبلاً نشانی شده است .

فصل بیست و دوم

احکام حرف « راء »

اگر بالای حرف « راء » حرکت « فَتْحَهُ و یا ضَمَّهُ » قرار گیرد؛ در آن صورت حرف راء « پر » یعنی « تفخیم » و اگر حرکت « كَسْرَهُ » داشت، در آن حالت حرف راء « نازک » یعنی « ترفیق » تلفظ مییابد.

قابل تذکر است که: در رابطه طرز تلفظ حرف « راء » قواعد و شرایط از طرف علما و استادان علم تجوید توضیح و تشریح شده، که در مورد مختصراً نگاشته میشود. محترم مولانا اشرف علی تهانوی « رح » در « جمال القرآن » چنین نوشته است: « ۱ » .

قاعده ۱: اگر حرف « راء » حرکت زبر یا پیش داشته باشد آن را با « تفخیم » یعنی پر حجم می خوانند مانند: ربک - ربما و اگر حرکت زیر داشته باشد آن را با « ترفیق » یعنی باریک می خوانند، مانند: رجال.

نکته: « راء » مشدد نیز یک « راء » محسوب می شود، لذا؛ حرکت خود او را اعتبار کرده پر یا بارک می خوانند، ولی ناگاه آن را دو « راء » به شمار می آورند. اولی را ساکن و دومی را متحرک می پندارند و این اشتباه است .

قاعده ۲: اگر حرف « راء » ساکن باشد، حرف ماقبلش را نگاه می کنند که دارای چه حرکت است، اگر حرکت زبر یا پیش داشته باشد آن را پر می خوانند، مانند: « بَرَقُ - یُرْزَقُونَ » و اگر حرکت زیر داشته باشد باریک خوانده می شود مانند: « انْزَهِمَّ » اما؛ باریک خواندن « راء » در این صورت سه شرط دارد.

قاعده ۳: اگر حروف ماقبل « راء » ساکن نیز باشد (و این درحالت وقف ممکن است، چنانکه از مثالها واضح می شود) انگاه ماقبل آن حرف را باید نگاه کرد، اگر حرکت زبر یا پیش دارد، « راء » پر خوانده می شود مانند: « لَيْلَةُ الْقَدْرِ - بِكُمُ الْعُسْرُ ».

در این دو مثال « راء » ساکن و حرف ماقبلش « دال و سین » هم ساکن هستند، و قاف صدای زبر و عین صدای پیش دارد، لذا حرف « راء » در این دو کلمه پر خوانده می شود .

و اگر آن حرف ماقبل، صدای زیر داشته باشد، « راء » باریک خوانده می شود . مانند: « ذِي الذِّكْرِ » در این مثال حرف « راء » ساکن و کاف هر دو ساکن هستند و حرف « ذال » زیر دارد، لذا « راء » باریک خوانده می شود.

نکته: اگر حروف ساکنی که قبل از « راء » قرار دارد، حرف « یاء » باشد در آن صورت، حرف قبل از « یاء » هر نوع حرکتی داشته باشد، تاثیری نمی کند و در هر حال « راء » باریک خوانده می شود، مانند: « خَيْرٌ - قَدِيرٌ ».

قاعده ۴: در قرآن مجید ، یک مورد بعد از « راء » ، « اماله » خوانده می شود، در آن جا حرکت « راء » کسره تصور کرده می شود و « راء » باریک خوانده می شود و آن یک مورد عبارت است از : « بسم الله مجریها » این « راء » مانند رای کلمه « ریحان » خوانده می شود و این گونه خواندن را « اماله » می نامند و در فارسی « یای مجهول » می گویند.

قاعده ۵: « راء » هرگاه به سبب وقف ، ساکن شود بدیهی است که برابر قاعده شماره دو و سه ، به حرف ماقبلش و گاهی به ماقبل ماقبلش نگاه کرده آن را باریک یا پرمی خوانند ، اما باید به خاطر داشت که زمانی حرف ماقبل ، یا ماقبل ماقبل « راء » مورد توجه قرار می گیرد که درحالت وقف « راء » را به طور کامل ساکن بخوانند ، چنانچه روش عمومی وقف است.

ولی ، وقف روش دیگری نیز دارد و آن اینکه حرفی که وقف بر آن صورت می گیرد کلاً ساکن کرده نمی شود ، بلکه حرکت آن به صورت خیلی ضعیف اداء می گردد و این نوع وقف را « روم » می گویند و وقف « روم » فقط بر حرکت زیر و پیش اجرا می شود.

باب تفخیم و ترفیق یکی از کلید های مهم زبان عربی است که « پرخواندن و نازک خواندن » حرف را بیان مینماید و همچنان از حرکت یک حرف معلوم میشود که اگر حرکت « فَتْحَه و یا ضَمَّه » داشت آن حرف تفخیم « پر » و اگر « کسره » داشته آن حرف ترفیق « نازک » تلفظ میشود.

تفخیم: تفخیم از نظر لغوی بمعنی « بزرگ داشت » است و در علم تجوید عبارت از « درشت و پر حجم » تلفظ کردن یک حرف میباشد، البته به طوریکه دهان از صدای آن « پر » شود.

ترفیق: ترفیق از نظر لغوی بمعنی « رقیق بودن » بودن است و در علم تجوید عبارت از « نازک » تلفظ کردن یک حرف میباشد. « ۱ »

شرایط تفخیم « راء » « فَتْحَه و یا ضَمَّه »

- اگر « راء » فَتْحَه و یا ضَمَّه داشته باشد ؛ در آن صورت حرف تفخیم « پر » خوانده میشود.

- اگر « راء » ساکن باشد ؛ ماقبل حرکت فَتْحَه و یا ضَمَّه داشته باشد ، در آن صورت حرف تفخیم « پر » خوانده میشود.

۱- کتاب « جمال القرآن » ، صفحه « ۵۷ » نوشته : محترم مولانا اشرف علی تهانوی « رح » .

- اگر «راء» ساکن باشد؛ ما قبل هم ساکن باشد و ما قبل آن فَتْحَهُ و یا ضَمَّهُ داشته باشد، در آن صورت حرف تفخیم «پر» خوانده میشود.

- «راء» ساکن باشد؛ ما قبل آن الف «مدی و واو مدی» قرار داشته باشد، در آن صورت حرف تفخیم «پر» خوانده میشود.

- «راء» ساکن باشد ما قبل آن «همزه وصل» قرار داشته باشد، در آن صورت حرف تفخیم «پر» خوانده میشود.

- اگر «راء» ساکن باشد، ما بعد آن یکی از هفت حرف استعلا: «خ - ص - ض - غ - ط - ق - ظ» در یک کلمه بیاید، در آن صورت حرف تفخیم «پر» خوانده میشود.

شرایط ترفیق «راء» «کسره»

۱- اگر «راء» کسره داشته باشد؛ در آن صورت حرف ترفیق «نازک» خوانده میشود.

۲- اگر «راء» ساکن باشد؛ ما قبل کسره داشته باشد؛ در آن صورت حرف ترفیق «نازک» خوانده میشود.

۳- اگر حرف «راء» ساکن باشد؛ ما قبل هم ساکن باشد و ما قبل آن کسره داشته باشد، در آن صورت حرف ترفیق «نازک» خوانده میشود.

۴- اگر حرف «راء» ساکن باشد؛ ما قبل آن حرف «یاء» ساکن باشد، در آن صورت حرف ترفیق «نازک» خوانده میشود.

۵- اگر حرف «راء» ساکن باشد؛ ما قبل آن «یای مدی» قرار داشته باشد، در آن صورت حرف ترفیق «نازک» خوانده میشود.

در زبان عربی هشت حرف «حاء، صاد، ضاد، طاء، ظاء، غین، قاف و راء» که روی آنها «الف» قرار گیرد، دهن به طرف بالا باز شده پر خوانده میشود و در متباقی حروف، دهن به سمت بغل باز شده و باریک تلفظ میشود.

قابل تذکر است که: حرف «راء» بشکل «پرفخیم» و باریک «ترفیق»؛ به قواعد ذیل تلفظ میشود:

- تفخیم «پر حجم و یادداشت»: اگر بالای حرف «راء» چهار حرکت «فَتْحَهُ» «زیر»، «ضَمَّهُ» «پیش»، «الف و واو مدی» قرار گیرد، در آن صورت حرف «راء» «پرفخیم» تلفظ میشود. مثلاً: «رَزَقْنَا، مسرُورا».

- ترفیق « باریک یا رقیق »: اگر بالای حرف « راء » دو حرکت « کسْرَه » « زیر » و یا مدی « قرار گیرد ، در آن صورت حرف « راء » باریک « ترفیق » تلفظ میشود .
مثلاً : « الرجال ، فرعون »

باید خاطر نشان ساخت که:

- در صورتیکه حرف « راء » ساکن باشد ، در آن صورت به حرف ماقبل باید مراجعه شود و به کمک حرکت آن ، حرف « راء » تلفظ شود.

- در صورتیکه حرف ماقبل « دوم » هم ساکن باشد در آن صورت به حرف ماقبل ، ماقبل « سوم » مراجعه شود و با استفاده از حرکت آن حرف « راء » تلفظ گردد.

بگونه مثال در کلمه « **والعصر** »: در این کلمه چون حرف « راء » ساکن است ، باید بخاطر تلفظ آن از حرف ماقبل « دوم » که حرف « صاد » است ، کمک گرفته شود . چون حرف « صاد » هم ساکن است ، پس ؛ به اساس قواعد اجازه است تا از حرکت حرف ماقبل از ماقبل « سوم » که حرف « عین » است و حرکت « فَتْحَه » دارد ، کمک گرفته شود؛ که در این صورت به اساس حرکت فَتْحَه « زیر » ، حرف « راء » باید پر « تفخیم » تلفظ یا خوانده شود.

فصل بیست و سوم

احکام حرف ل - لام « لام »

محل خروج حرف « ل » کناره های قسمت جلوی زبان و لثه های ثنایای علیا میباشد ، که در وقت تلفظ حرف « لام » سرزبان به لثه دندان های نیش و پیشین بالا به آرامی برخورد می کند و راه عبور هوا را از این ناحیه مسدود می سازد.

- اگر قبل از لفظ جلاله الله ، حرکت « فَتَحَهُ وَضَمَّهُ » بیاید ، دهان بطرف بالا باز شده و پرخوانده میشود ، و اگر حرکت « كَسَرَهُ » بیاید در آن صورت دهن به سمت چپ و راست باز شده و « نازک » خوانده میشود.

- هرگاه در ماقبل حرف لام « ل » در لفظ جلاله الله ، حرکت فَتَحَهُ « زبر » و یا حرکت ضَمَّهُ « پیش » قرار داشته باشد ، در آن صورت لفظ جلاله « الله » ، درشت پر حجم یعنی « تفخیم » تلفظ و یا خوانده می شود .

بگونه مثال در سوره ۲: البقرة ایه « ۲۵۵ » که بنام « آیت الکرسی شریف » میباشد:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۲۵۵)

- هرگاه در ماقبل حرف لام « ل » در کلمه جلاله « الله » حرکت كَسَرَهُ « زیر » قرار داشته باشد، در آن صورت لفظ جلاله « الله » ، نازک یا « ترقیق » تلفظ می شود.

« بِسْمِ اللَّهِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ ، بِاللَّهِ ، رَسُولِ اللَّهِ »

همچنان باید خاطر نشان ساخت که: قاعده حرف « لام » بدون کلمه جلاله « الله » به دو شکل است:

۱- قاعده ادغام حرف ل « لام » در حروف شمسی:

هرگاه بعد از حرف « لام » یکی از حروف شمسی که عبارتاً از : « ت ، ث ، د ، ذ ، ر ، ز ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ل ، ن » میباشد، واقع شود ، در آن صورت حرف « لام » در آن ادغام شده و خوانده نمیشود . مثلاً « الشَّمْسُ ، مِنَ النَّاسِ ، الرَّحْمَنِ ».

۲ - قاعده اظهار حرف « لام » در حروف قمری:

هرگاه بعد از حرف « لام » یکی از حروف قمری که عبارتاً از : « الف ، ب ، ج ، ح ، خ ، ع ، غ ، ف ، ق ، ک ، م ، و ، ه ، ی » میباشد، واقع شود ، در آن صورت حرف « لام » در آن اظهار شده و تلفظ میشود . مثلاً: « وَالْقَمَرِ ، وَالْبُنُونَ ، فِي الْأَرْضِ ، لَهُ الْمَلِكُ ، لَهُ الْحَمْدُ ».

فصل بیست و چهارم

معلومات عمومی و تعریفات

- استعلاء « مستعلیه»: در لغت به معنی بلند شدن است و در اصطلاح تجوید، به وقت ادا کردن حروف، از بیخ زبان به طرف کام بالا، بلند شده و « پُر» خوانده میشوند. حروف مستعلیه یا استعلاء « هفت» حرف است که در مجموعه « خُص - ضَغَط - قَط» جمع شده و عبارتاً از: « خ - ص - ض - غ - ط - ق - ظ» می باشند.
- استفال: ضد « استعلا» است و در لغت به معنی پایین آمدن و طلب پستی و در اصطلاح تجوید عبارت است از به پایین آمدن و دور شدن ریشه زبان از کام بالا میباشد.
- تفخیم: در اصطلاح علم تجوید درشت و غلیظ اداء کردن حرف را طوری که دهن از صدای آن پر شود، « تفخیم» میگوید. البته حروف پر « خ - ص - ض - ط - ظ - ق - غ» میباشد.
- ترفیق: ترفیق در لغت « رقیق کردن و یا از غلظت چیزی کاستن» را گویند که در اصطلاح علم تجوید؛ نازک، رقیق و کم حجم تلفظ کردن حرف را « ترفیق» میگویند.
- تکریر: تکریر در اصطلاح علم تجوید « لرزه و برگشت مکرر سطح زبان» برای تکرار حرف « راء» را تکریر میگویند و یا زمانیکه زبان در وقت تلفظ کردن حرف « راء»، لرزش پیدا میکند آن را صفت تکریر میگویند.
- ترسیل: یعنی خواندن حروف به طریقه هموار و آرمیده؛ ترتیل و تائی در قرانت میباشد.
- تبیین: یعنی هویدا شدن و یا خواندن حروف بشکل صاف و درست است.
- تحسین: یعنی نیکو کردن، آراستن و یا زیبا ساختن است.
- توقیر: یعنی به شکوه داشتن و یا با خشوع، خضوع و وقار خواندن است.
- ترعید: لرزش صدا و یا شور و تغیر دادن صدا در مد و حرکت هنگام تلاوت قرآن کریم میباشد.
- ترقیص: بلند کردن صدا « آواز» اگر از حد تجوید بیرون باشد و یا خواندن قران کریم به شبیه آوازی که مناسب به رقص باشد.

- تعجیل: عجله و شتاب و یا تیزی و تعجیل کردن که حرف در وقت تلاوت قرآن کریم فهمیده نشود .

- تعویق: به تأخیر انداختن کاری و یا درنگی و تأخیر و توقف کردن میباشد .

- تطویل: بمعنی دراز کردن است و یا از حد اضافه طول دادن و دراز کردن حرکات و مدها میباشد .

- تمضیع: یعنی حروف را در دهان خود جویده خواندن که سبب آن حروف بشکل دقیق ادا یا تلفظ نشود و یا تلفظ نه نمودن قواعد تجوید را گویند .
مثلاً : در جای وقف وصل نمودن و بر عکس آن .

- حروف تهجی : مجموع حروف الفبای زبان عربی را حروف تهجی میگویند .

- رعایت حق : فصیح خوانی یا روان خوانی قرآن است و یا حق حرف کیفیتی است که قوام حرف به آن است و آن عبارت از مخرج حرف و صفاتی است که در نهاد حرف وجود دارد .

- رخوت: رخوت در لغت بمعنی « نرمی و سستی » را گویند و در اصلاح علم تجوید ، جریان یافتن صوت در مخرج حرف یا ادامه صوت و آواز را در هنگام تلفظ « رخوت » گویند .

- شدت: شدت بمعنی « سختی و قوت » است که در اصطلاح علم تجوید ، قطع صوت در مخرج حرف یا حبس و قید کردن صوت و ادامه ندادن آن در هنگام تلفظ ، میباشد .

- صفیر: بمعنی سوت کشیدن است و در زبان عربی سه حرف هر کدام « ص - س - ز » ، زمانیکه تلفظ شود، صدای شبیه پرنده از دهن خارج میشود که به آن صدا « صفیر » میگویند .

- قصر: بمعنی کوتاه کردن است . مثلاً : تلفظ و یا اداء کردن حروف مدی از حالت صدای کشنده به شکل طبیعی و معمولی میباشد . مانند: « أُذِنَا » .

- وثبه: بمعنی یک بار جستن و یا قبل از تکمیل حروف قلبی؛ خواندن حروف .

- لحن: بمعنی آواز، اهنگ و خطا کردن را میگویند . یعنی غلط و یا اشتباه خواندن آیات قرآن مجید و یا تلفظ کردن حروف ؛ بدون رعایت قوانین تجوید را « لحن » میگویند .

- لحن جلی: اشتباه واضح و آشکارا است که معنی آیه را تغییر داده و یا ساختار کلمه را مختل می‌سازد.

- لحن خفی: اشتباه پنهانی و خورد است که معنی کلمه را تغییر نمی‌دهد، لیکن حسن و زیبایی آن را از بین می‌برد.

- مستحق حروف: قواعد و احکام قرآن و یا به کیفیت صوتی و آوایی گفته می‌شود که در ترکیب حروف و پیوند آنها ایجاد می‌شود.

- مد: بمعنی کشیدن، دراز کردن و یا طولانی کردن است و در اصطلاح علم تجوید عبارت از کشش صورت «آواز» میباشد.

چنانچه در روایت اسلامی گفته شده که: مدها دیباج «پارچه ابریشمی» قرآن کریم هستند، همانگونه که پارچه ابرایشم برای زیبایی و آراستگی به تن میکنند، به همان شکل مد و کشش صوت؛ موجب آرایش و زیبایی قرانت قرآن کریم میشود.

مد: فقط بالای «سه» حرف الفبای زبان عربی: «ا، و، ی» قرار می‌گیرد و با صدای کشیده تلفظ میشود که بنام «وای» و یا «حرف علت» نیز یاد میشوند.

مد: عبارت است از امتداد صوت در حروف مدی بیش از میزان طبیعی بوده که به اندازه حداقل سه «الف» و یا بستن سه انگشت کشیده و یا تلفظ میشود. مانند: «جاء» میباشد.

- همهمه: بمعنی غوغا، جنجال و یا سرو صداهای درهم و برهم را که فهمیده نشود، می‌گویند و یا نباید مخفف را مشدد و مشدد را مخفف خواند.

- همس: بمعنی آواز خفی یا نرم را می‌گویند و یا هنگام تلفظ این حروف آواز در مخرج با چنان ضعیفی قرار می‌گیرد که جاری داشتن نفس ممکن باشد و در آواز یک نوع پستی وجود داشته باشد.

منابع و مأخذ های عمده

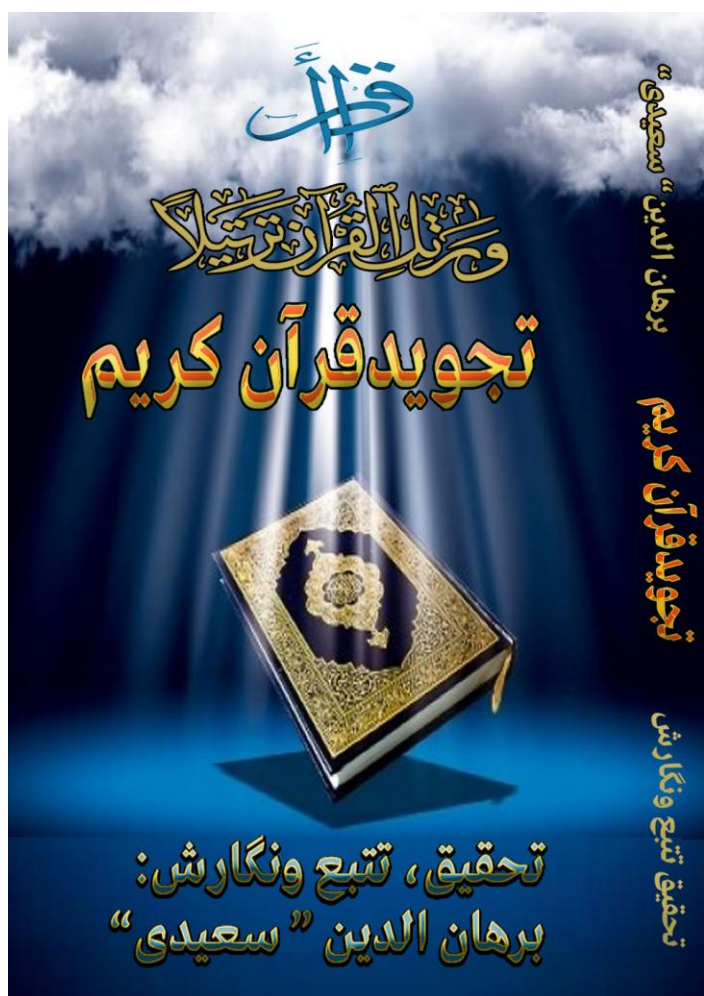
- قرآن کریم: با ترجمه دری - فارسی.
- کتاب جمال القرآن: تالیف مولانا اشرف علی تهانوی « رح » ، ترجمه دری: محترم مولوی عبدالرحمن « سریازی » ، سال نشر « ۱۳۷۸ هجری شمسی ».
- خلاصه تجوید: محترم محمد احسان « صیقل » سال ۱۳۸۵ هجری شمسی .
- تجوید اسان: داکتر ابد عاصم «عبدالغزیز» عبدالفتاح قاری. مترجم: محترم عبدالکریم « محمدی».
- آموزش تجوید قرآن: تهیه و ترتیب کننده: محترم سلیمان شاه « صوفی زاده ».
- تجوید صنف هفتم: « برای مدارس دینی افغانستان » ، مؤلف: محترم میر رفیع الله « منیب » سال چاپ: « 1398 هجری شمسی » ، وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان.
- کتاب تعلیم قرآن کریم : برای « صنف هشتم » مؤلف: محترم استاد فضل الله « نیازی » و محترم قاری سید محمد اغا « هاشمی » ، چاپ سال « ۱۳۹۶ هجری شمسی » وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان.
- کتاب « حق تلاوت »: نوشته استاد قاری نصرت الله « صاحبی » ، چاپ قوس سال « ۱۳۹۸ ».
- کتاب « آموزش تجوید قرآن »: مؤلف محترم استاد موسوی « بلده ».
- آموزش تجوید قرآن: گرد آوری و تنظیم ، محترم علی « لسانی » .
- کتاب « تجوید القرآن »: نوشته ذکرا الله « شیرزی » راسب، سال چاپ « ۱۳۹۱ » هجری شمسی.
- قاعده نورانی: رنگین تجوید ، انتشارات و مطبعه یوسف.

یادداشت من « مؤلف »:

از دروس علمای بزرگوار و استادان معظم « تجوید قرآن کریم » هریک:

- دوس « برکت التجوید » محترم شیخ القرء استاد برکت الله « سلیم ».

- درس « آموزش روخوانی قرآن کریم » محترم استاد محمد نواز « صیقل » .
- درس « آموزش روخوانی قرآن کریم » محترم استاد فضل الحق « سلیمانی ».
- درس « آموزش روخوانی قرآن کریم » محترم استاد عبدالرحمن « فاتح ».
- درس « آموزش تجوید » محترم استاد قاری امان الله « احمدی » .
- درس « آموزش تجوید قرآن کریم » محترم استاد قاری نصرت الله « صاحبی ».
- درس « آموزش تجوید قرآن » محترم استاد موسوی « بلده ».
- درس « آموزش تجوید قرآن » محترم استاد قاری محمد یوسف « ارکانی ».
- درس « آموزش تجوید قرآن » محترم استاد عبدالله « شمس ».
- صفحات انترنیت و بخش گوگل: بخاطر معنی، توضیح و تشریح کلمات و لغات؛ به زبان دری.



بیان مختصر در مورد مؤلف



برهان الدین « سعیدی » فرزند مولانا
 داکتر محمد سعید « سعید افغانی » در
 سال « ۱۹۶۲م. » در شهر کابل، در یک
 فامیل روحانی و فرهنگی چشم به جهان
 گشوده است.

برهان الدین « سعیدی » مدیر مسؤل ارگان
 نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغانی
 و عضوی شورای علمی مرکز مطالعات
 استراتژیک افغان است.

برهان الدین « سعیدی » در رابطه به « کتاب الله، احادیث، فقه، تجوید،
 تصوف و عرفان » تحقیق، پژوهش، تتبع و نگارش انجام داده که
 در این عرصه چندین « مضامین، مقالات و تحقیقات » شان به شمول
 دو رساله تحت عنوان: صوفی کیست؟ و گنجینه ها « مناجات » به
 زیور چاپ رسیده اند.

تحقیق دیگر موصوف رساله بنام « تجوید قرآن الکریم » است که به
 زبان ساده و عام فهم تتبع و نگارش یافته است، که اینک در اختیار شما
 قرار دارد.

بدینوسیله از خدمات خیرخواهانه، علمی و اسلامی، محترم برهان الدین
 « سعیدی » ستایش و تقدیر مینمایم و از بارگاه رب العزت، برایش
 صحت، طول عمر توام با سعادت و خیر و برکت استدعا داریم.

شورای علمی مرکز مطالعات استراتژیک افغان

Tajwīd Qura'n Karīm
By: Burhanoddin Saidi

Tajwīd Qura'n Karīm

By: Burhanoddin Saidi

b-saidi@gmx.de

April 2021, Germany

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**